

پیام کمیته مرکزی سازمان به فدائیان خلق ایران به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن



رزم بیکیتر و جانبازی بیکران خود سازمانتان را در برابر اینهمه تلاشهای دشمنان باز هم پرتوان تر رهسپار گسترش نبرد با امپریالیسم و ارتجاع حاکم می کنید درود آتشین می فرستد.
رفقا!

با سرافرازی باید بتوییم که چهاردهمین سال زندگی انقلابی سازمانمان سالی بسیار پربار و با انجام و ثنایف بسیار مهمی همراه بوده است. دو سال بقیه در صفحه ۲

رفقا و دوستان گرامی!
فداییان خلق!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن، چهاردهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان پر افتخارمان را به همه شایه‌شاهنگان رزمنده راه طبقه کارگر و توده‌های میلیونی ایران، به همه کارگران و رنجبران بی‌باخته میهنمان شادباش می گوید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه شما فدائیان خلق ایران، که با



دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۴۲ بر ۴ فوریه ۱۹۸۵
بهمن ۴۰ ریحال سال اول شماره ۴۳

۱۹ بهمن، سالگشت اعلام موجودیت فدائیان خلق

حماسه پویندگی

این مجززه از حماسه می گوید

از هر رنگ و اترانه نامی روید

خون دل عاشقان جنگل امروز

با باد بدل سپیده ره می جوید

"نوزده بهمن" پانزده ساله شد و با آن چهارده سال از اعلام بنیانگذاری سازمان ما سپری گردید. هفتاد و یک روزهای سرد بهمن ماه ۴۹ با عملیات مسلحانه در جنگلهای گیلان حضور سازمان ما اعلام گردید، بسیاری با بیم و امید می پرسیدند که آیا این نهال تازه رسته می‌تواند به درخت تنومندی بدل شود که در برابر توفانهای مهیب آن سالهای سخت برجای بماند؟

عملیات آغازین فدائیان خلق در سکوت سنگین آن ایام خفقان بار، غرضی چون رعد برپا کرد. اما نتیجه نبردی که با بسیج انبوه نفرات سرکوب و در طی شرایطی بکلی نابرابر آغاز شده بود، بدانجا انجامید که از گروه سیزده نفره فدائی، دوشن-مهدی اسحق و رحیم ساعی-در همان جنگلهای یخ بسته جان خود را نثار خلق کردند و بیازده تن دیکتر پس از اینکه روزهای متوالی با عزمی استوار پایداری کرده بودند، به اسارت درآمده و به زندان مخوف اوین منتقل شدند.

جلادان خشمگین رژیم شاه با کینه تیزی سبانه به شکنجه این فدائیان دلیر پرداختند. دیوارهای سلولهای اوین هفته‌های متوالی شاهد نبرد میان دلاوری انقلابی و درنده‌خوئی حیوانی بود. تاپس بقیه در صفحه ۸



- * اعتصاب کارگران کارخانه خانه سازی باختران
- * مصادره املاک روحانیون فتوای حرام است!
- * مجازات جمعی روستائیان به خاطر عدم شرکت در انتخابات
- * آینده "نظام پزشکی" چه خواهد شد؟

در صفحه ۱۱

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گزارشی از تبلیغات انقلابی گسترده فدائیان خلق (اکثریت) در سطح کشور

در صفحه ۴

فشار بر پناهندگان سیاسی شدت می گیرد اعتراضات گسترش می یابد

در شماره گذشته "اکثریت" خبر اعتصاب غذای گروهی از پناهندگان سیاسی را در ایالت بایرن آلمان فدرال درج کرده بودیم که در اعتراض به مشکلات حاد پناهندگان، صورت گرفته بود. بنا به اطلاع واصله، اعتصاب غذای این پناهندگان بمدت ۱۷ روز یعنی تا تاریخ ۲۶ ژانویه ادامه یافت و در این زمان پس از اینکه توانست توجه افکار عمومی را بطور وسیع جلب نماید، درحالیکه با حمایت گسترده نیروها و احزاب مترقی روبرو بود، پایان یافت. بی اعتنائی و برخورد غیر مسئولانه مقامات دولتی استان بایرن و از جمله برخورد موهن وزیر امور اجتماعی، باعث اعتراضات بیشتر پناهندگان سیاسی شده، و در این رابطه میتوان به اعتراض ۴۰ نفر از پناهندگان سری لانکائی در مونیخ و همچنین به تظاهراتی که قرار است روز ۲ فوریه در این شهر به ابتکار کمیته (آلمانی) همبستگی با پناهندگان برگزار شود، اشاره نمود.

آنگونه که گزارشهای واصله نشان میدهد، تشدید تضییقات علیه پناهندگان سیاسی محدود به آلمان فدرال نیست. در دیگر کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی نیز فشار بر پناهندگان افزایش یافته است. به عنوان نمونه به وضعیت پناهندگان دانمارک اشاره می کنیم.

نشریه "مهاجر" چاپ کپنهاک در سه شماره بتوجه ای مبسوطه اوضاع پناهندگان ایرانی پرداخته است. در این گزارش آمده است که دولت دانمارک مدتی است تلاش دارد نابسامانیهای اقتصادی از بقیه در صفحه ۱۰

پشتیبانی گسترده کارگران و نیروهای مترقی جهان از مردم ایران ادامه دارد

پشتیبانی بی دریغ کارگران جهان
از مبارزات مردم ایران

انعکاس مبارزات مردم ایران
در مطبوعات جهان

تظاهرات علیه رژیم ج. ا. در کپنهاک
در صفحه ۱۲

گزارشی از وضعیت کنونی دانشگاهها

مجموعه اقدامات و سیاستهای رژیم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وضعیت اسفباری را برای دانشگاهها و مدارس عالی کشور به ارمغان آورده است. خیانت به اهداف انقلاب و ضدیت با منافع مردم، قشریگری و کورذهنی، ضدیت با علم و سرکوبگری، جنگ طلبی و ... همه دست در دست هم این وضعیت اسفبار را در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور بوجود آورده‌اند. وضعیتی که همه وجوه آموزشی، زیستی، سیاسی و اداری، دانشگاهها و دانشجویان را شامل می‌شود.

ما پیش از این در نشریه به بررسی کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در دانشگاهها و مدارس عالی کشور پرداختیم. اینک با درج گزارشهایی از وضعیت کنونی دانشگاهها به تمهید نقابهای سیاستهای مخرب و ضد فرهنگی رژیم در مراکز آموزش عالی می‌پردازیم:

وضعیت آموزشی

افت شدید سطح علمی و آموزشی دانشگاهها کاملا و بشکل عریان خود را به نمایش می‌گذارد. اخراج و انصراف از تدریس بسیاری از اعضا کادر علمی دانشگاهها، تعطیلی درازمدت مراکز آموزش عالی، ضوابط ارتجاعی گزینش دانشجو، بی‌برنامگی و برنامه ریزی‌های بی اساس تفکر و پیش ارتجاعی و ضد علمی دست اندرکاران امر و ... از مهمترین عوامل سقوط شدید سطح علمی و آموزشی دانشگاههاستند.

در دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز، یک استاد ارزشمند را به اتهام طرح مسائل غیر شرعی در سر کلاس، اخراج کردند. وی گفته بود در اتحاد شوروی، پزشکان موفق شدند خون یک انسان مرده را به فاصله کمی بعد از مرگش به یک بیمار انتقال دهند. در دانشگاه صنعتی تهران، بهنجام تدریس یک استاد، اعضا انجمن اسلامی مراجعه کرده می‌گویند ما به کلاس احتیاج داریم برای خود و شاگردانت یک کلاس پیدا کن!

انصراف از تدریس و اخراج استادان، کار رابه بقیه در صفحه ۲

در سالگرد شهادت اراتی، خاطره همه توده‌ایهای شهید
و یاد همه رزمندگان در بند را گرامی می‌داریم
در صفحه ۱۴

سربلند و پیروز باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

پیام کمیته مرکزی سازمان به فدائیان خلق ایران به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن

بقیه از صفحه اول

دبیر کمیته ناحیه ای شرق تهران و رفیق مبسوط پورجم عضو کمیته اهلای خوزستان در زیر شکنجه دژخیمان جان باختند و از سرنوشت گروهی دیگر از فداییان اسپر نیز هنوز هیچ اطلاع موثقی به دست نیامده است. هم اکنون هزاران فدایی و توده ای در زندانهای رژیم استاده اند و از شرف و حقانیت خود

سرخسختانه دفاع می کنند. علیرغم همه دهمشاهی مانه تنها موفق نشده اند آنچه که می خواهند از رفقای ما به دست آورند، بلکه امروز در زندانها استادگی و مقاومت نشان برجسته ماست. نقش رژیم برای به دام انداختن و شکستن بهاران اسپر ما مفتضحانه شکست خورد. عجز رژیم در دستیابی به اطلاعات، حفظ سازمان و تعرض قاطع و نبرو مند ما علیه ارتجاع حاکم، رشد مبارزه نوده ای و بالا گرفتن اعتراض جهانی علیه جنایات رژیم، مقاومت اسپران را در برابر ددمشاهی های عمال رژیم در زندانها بیش از پیش تقویت کرده است. در این میدان نیز زمان به سود ما عمل می کند. امکانات واقعی رژیم برای نابودی و با تسخیر زندانیان به مرور کمتر و امکانات و قدرت ما برای ایستادگی و تعرض در برابر ارتجاع حاکم چه در زندانها و چه خارج از آن بیشتر می شود.

کمیته مرکزی را باید برجسته ترین و والاترین موفقیت سازمان در سال گذشته دانست. برگزاری این پلنوم خود نمودار غلبه ما بر موانع و مشکلات دشمن ساخته است. پلنوم از این نظر که همه اعضا هیات سیاسی حاضر در پلنوم خرداد ۶۱ و اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی در آن شرکت کردند، نمودار پیروزی بزرگ ما و شکست بزرگ توطئه های رژیم برای درهم شکستن سازمان و نابودی آن است. فضای شورانگیز و سرشار از یگانگی فکری، سیاسی و سازمانی در پلنوم تجسمی از یگانگی و یکپارچگی و صمیمیت شور انگیز سازمان ماست. کارنامه و تصمیمات پلنوم نموداری از حد مسؤولیت و پختگی سیاسی سازمان ماست. اسناد مصوب پلنوم مهر ماه ۶۲ یقیناً می تواند مجموعه جنبش انقلابی خلق ما را به سوی تشخیص درست شرایط و وظایف و به سوی اتحاد و یکپارچگی رهنمون گردد.

گذشته سالهای بسیار دشواری در تاریخ جنبش انقلابی مبین ما بوده اند. آغاز سیزدهمین سال تاریخ سازمان ما با آغاز شدیدترین و خونین ترین تلاشهای رژیم برای نابودی حزب توده ایران مزمان شد. از آن زمان توطئه و نجاچم رژیم علیه جنبش ما مردم دامنه بیشتری یافت. ما وظایف سنگین و سرنوشت سازی در برابر خود داشتیم که درنگ و کوتاهی در انجام آنها می توانست بدترین زیانها و ضربات را مترجمه موجودیت جنبش انقلابی ایران کند. در پیام مناسبت سیزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان، کمیته مرکزی انجام پیروزمندان و وظایف مقدم و فوری سازمان را به شما گزارش کرد. سال گذشته سال تکمیل وظایف تعیین شده سیاسی و سازمانی و سال گسترش تعرض متقابل ما علیه ارتجاع حاکم بود. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آغاز چهاردهمین سال حیات خود، در یکم اسفند ۶۲ انتشار دوره دوم کار، ارگان کمیته مرکزی سازمان را آغاز کرد. انتشار کار پس از دو سال وقفه، پیروزی بزرگی برای سازمان و جنبش کارگری و کمونیستی ایران بود.

ما فداییان خلق، رزمندگان صفوف سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که هرگز و هیچگاه جز در دفاع از طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و مردم ستمدیده ایران قدم برنداشته ایم، باید به یاد داشته باشیم که آرزوهای مردم ما فقط وقتی جامه عمل می پوشد که ارتجاع حاکم از اریکه قدرت بیرون رانده شود و یک دولت دموکراتیک و ملی جانشین آن گردد. این سخن نیست مگر به اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و ملی ایران. عصاره و جوهر تمام آنچه که پلنوم همراه تعیین کرده همین است. ما برای در دست گرفتن قدرت و تحقق اهداف و آرمانهای مردم زحمتکش می رزمیم و برای پیروزی باید هر چه نیرومندتر شویم. رمز نیرومندی ما هم در اتحاد ماست و هم در پیوند هر چه وسیع تر ما با توده های مردم زحمتکش. در این راه ما پاسداران ثابت قدم وحدت و یکپارچگی سازمان خویش، پاسداران یگانگی و همکاری ثمر بخش با رفقای توده ای خویش و یکپارچگی و پیگیری راه اتحاد همه نیروهای مترقی میهنمان ایرانیم. در این راه ما فداییان خلق، جان برکف تا آخرین نفس پرچم کلگون و خون رنگ سازمان را فراراه مردم زحمتکش باهتزاز در می آوریم و در هر کجا که هستیم ارتش بیگران کار و زحمت را در سنگر سازمان خویش به سلاح نیرومند تشکل و آگاهی، به نیرومندترین سلاحها تجهیز می کنیم.

چهاردهمین سال حیات خلق سازمان بویژه از نظر بسط مناسبات با احزاب کمونیستی و کارگری جهان و جنبشهای رهایی ملی، دستاوردهای گرانقدری داشته است. این مناسبات و پیوندهای انترناسیونالیستی پشتوانه نیرومندی برای مبارزات خلق ما علیه امپریالیسم و علیه ارتجاع حاکم است. گسترش باز هم بیشتر روابط رفیقانه با احزاب برادر و جنبشهای دموکراتیک و ملی در هر منطقه بین المللی همچنان در دستور کار سازمان قرار دارد.

در آغاز سال گذشته انتشار نشریه اکثریت بطور فکتهی آغاز شد و متعاقب آن نشریه "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم" نیز کار خود را از سر گرفت.

اعلامیه ها، بیانیه ها، پیامها و رهنمودهای کمیته مرکزی طی سال گذشته، مواضع و سیاست سازمان و وظایف اعضا و هواداران را مشخص و اعلام کرده و وظایف مشترک همه نیروهای انقلابی و مبین پرست در قبال مسایل بنیادین جنبش را مورد تاکید قرار داده است. بر این تصمیم کمیته مرکزی سازمان شاعر نویسی و پخش تراکت مورد توجه جدی قرار گرفت و انتشار اعلامیه و تراکت در رابطه با اعتصابهای کارگری و دیگر حرکات توده ای افزایش چشمگیر یافت. پخش نشریات سازمان در طول سال بگونه ای چشمگیر افزایش یافت. خصوصاً سطح توزیع نشریه کار که یگانه نشریه مترقی است که مخفیانه بطور منظم در سراسر کشور انتشار می یابد متدرجاً افزایش یافته است.

پیروزیها و پیشرفتهای بزرگ ما آسان به دست نیامده اند. وزن و نقش و اهمیت و اعتباری که امروز شما فداییان خلق ایران در جنبش انقلابی ایران و زندگی مردم زحمتکش ایران یافته اید نه محصول یک سال گذشته، بلکه دستاورد گرانقدر ۱۴ سال مبارزه ایست که در بدترین شرایط اختناق و سرکوب در شیبهای سرد بهمن ۴۹ شروع شد. امروز آن نهال، تنومند جنگلی است که انبوه درختان آن در عرق این آب و خاک چنان ریشه کرده اند که هیچ کس را دیگر برای برکشیدن آن نیست.

به موازات فعالیتهای ثمر بخش سازمان در زمینه سیاسی و تبلیغی، روند انطباق ساخت تشکیلاتی با شرایط مختلفان و سرکوب با موفقیت ادامه یافت. تشکیلات ما در وضعیتی قرار گرفت که بهتر از هر زمان توطئه ها و تهاجمات دشمن را خنثی می سازد. تدابیر سازمانی و امنیتی برای حفظ رهبری و کادرهای سازمان مطابق برنامه تعیین شده به اجرا گذاشته شد و مرحله نهایی را طی کرده است. واقعیات نشان می دهد که تدابیر سازمانی فوق به گونه ای نبوده است که بازده فعالیت تبلیغی ما و حضور و نقش ما در مبارزه جاری توده ها را کاهش دهد. ابعاد فعالیت تبلیغی سازمان نسبت به همه دوران دو ساله اخیر افزایش یافته است.

اهمیت و اعتبار سازمان ما محصول ایستادگی و استقامت دلیرانه بنیانگذاران سازمان، محصول جانبازی و فداکاری رفقای ما در سالهای اختناق در رژیم شاه، محصول صداقت و ایمان انقلابی همه یاران ما و از همه مهیتر محصول پویایی و خلاقیتی ستایش انگیز در شناخت حقایق و واقعیات و عشق و تعهدی بی خدشه و عمیق به توده های مردم زحمتکش ایران است.

رفقا! بی گمان برگزاری پیروزمندان پلنوم همراه

ما پیروز می شویم. ما یقیناً پیروز خواهیم شد. چون راه ما راه مردم زحمتکش، راه پیروزی و رهایی خلق است. ما فداییان خلق ایران همواره به این راه وفادار بوده ایم، هستیم و خواهیم بود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم

آمریکایی!

سر بلند و پیروز باد سازمان فداییان خلق ایران

(اکثریت)!

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

گزارشی از وضعیت کنونی دانشگاه‌ها

پتیه از
صفحه اول

جایی رسانده است که وزیرعلی‌مردم در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی اعلام داشت که تعداد استاد از ۱۲۹۰۰ نفر در سال ۵۷ به ۶۵۰۰ نفر در سال ۶۲ یعنی به کمتر از نصف رسیده است و این در حالی است که همزمان با اخراج استادان مجرب، سفارتخانه‌های رژیم در کشورهای غربی و هیئت‌های اعزامی در به در به دنبال جلب استادانی جهت تدریس در مراکز آموزش عالی می‌گردند.

برنامه‌های آموزشی رژیم نیز در این زمینه - پایین آوردن سطح علمی دانشگاه‌ها بسیار کارسازند! پس از مدتی سرگردانی دانشجویان جدید، واحدهای درسی ارائه شده به دانشجویان ترم اول پزشکی در دانشگاه تبریز، در سال تحصیلی جاری بدین‌ترتیب بوده است!

غربی ۲ واحد، تربیت بدنی ۱ واحد، انگلیسی ۲ واحد، فارسی ۴ واحد، ریاضیات و آمار ۲ واحد و کمک‌های اولیه ۲ واحد.

در بعضی دانشگاه‌ها بدلیل ضعف درسی دانشجویان پذیرفته شده در سال ۶۲ بویژه آنها که از طریق سهمیه نهادها پذیرفته شده‌اند، کلاسهای پیش دانشگاهی دایر گشته است.

بخش زیادی از وقت دانشجویان به درس معارف اسلامی اختصاص یافته است که بشدت حضور و غیاب در آنها کنترل می‌شود. آئیننامه‌ای ابلاغ کرده‌اند که هر دانشجویی بیش از دو نهم کل ساعات درس را از کلاس غیبت کند، از آن درس محروم خواهد شد. این حد نصاب قبلاً یک سوم بوده است.

مشکلات رفاهی دانشجویان

اکثر دانشجویان از نظر امکانات رفاهی و زیستی در شرایط بسیار نامناسبی بسر می‌برند. هزینه‌های ستنین زندگی و تحصیل، مشکل مسکن، وضعیت نامناسب تغذیه و وضعیت بهداشت دانشجویان از موارد قابل تاکید در این زمینه است. این مشکلات در تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی گریبانگیر دانشجویان است. تشریح وضعیت دانشگاه تبریز می‌تواند نشانگر وضع سایر دانشگاه‌ها نیز باشد. مشکلات رفاهی و زیستی دانشجویان دانشگاه تبریز عبارتست از: کمبود خوابگاه، عدم پرداخت و یا ناچیز بودن وامهای تحصیلی و پرداخت آنها با تاخیر حداقل ۴ ماهه، کمبود سرویس ایاب و ذهاب، وضع نامنجان غذاخوری دانشگاه از لحاظ تراکم جمعیت، کیفیت و کمیت بسیار نازل غذا و کرائی قیمت آن، علاوه بر موارد فوق بر خوردهای توهین آمیز دست اندرکاران امر همچنان دانشجویان را آزار می‌دهد و موجبات نارضایتی روزافزون آنان را فراهم ساخته است. بطوریکه در فرصت و در هر جمع کوچک و بزرگ دانشجویی به این مسائل اشاره می‌شود. شدت نارضایتی دانشجویان باعث شده است که مسئولان خود را ناچار به شرکت در جمع دانشجویان، جهت پاسخگویی به سئوالات و مشکلات آنان ببینند. و البته از دانشجویان طلبکارم هستند که چرانی دادند "جنگ مسئله اصلی است!"

مشکل ایاب و ذهاب به یکی از مشکلات مهم دانشجویان ساکن خوابگاه اصلی این دانشگاه بدل شده است. این خوابگاه در ۳۰ کیلومتری دانشگاه

قرار دارد. برای انتقال نزدیک به هزار نفر دانشجویان ساکن آن روزانه ۲ و حداکثر ۵ دستگاه اتوبوس در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه اکثر دانشجویان تقریباً هر زمان باید سرکلاسها حاضر باشند، رسیدن به دانشگاه به معضلی برای آنان بدل شده است. آنها مجبورند از ۶ صبح و گاه زودتر در صفهای طولانی بانتظار سرویس بایستند.

مشکل مسکن برای همه دانشجویان، و شرایط زیستی خوابگاه‌ها برای دانشجویانی که در خوابگاه‌ها سکونت دارند، نیز بسیار حاد و برجسته است. مادر شماره‌های گذشته تشریح منعکس کردیم که چگونه در تهران قریب ۷۰ نفر از دانشجویان را در سالنهای بزرگ اسکان داده‌اند و یا اینکه تنها از دانشگاه ملی قریب ۲۰۰۰ نفر بدلیل نداشتن مسکن ترک تحصیل کرده‌اند. پس دادن ساختمانهای استیجاری و مصادره‌ای به سرمایه‌داران بزرگ، که پیش از این بعنوان خوابگاه مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گرفت. بر مشکل کمبود خوابگاه‌های دانشجویی افزوده است.

اکنون با خیانت رهبران رژیم به مردم و انقلاب بدستور حکام شرع، ساختمانهای مصادره‌ای به صاحبان مغتخورشان پس داده می‌شوند و با مالکان ساختمان‌های اجاره‌ای با حکم شرعی به تخلیه ساختمانها اقدام می‌نمایند. مادر تشریح مواردی از آنرا ذکر کرده بودیم. از موارد دیگر آن می‌توان از ساختمانهای شاهد و جهانگردی در تبریز نام برد.

در این زمینه یکی از دانشجویان دانشگاه تبریز در نامه‌ای برای تشریح می‌نویسد: تراکم جمعیت در خوابگاه‌ها بسیار زیاد است. در هر اتاق ۴ دانشجو زندگی می‌کنند، بطوریکه حتی برای خوابیدن هم جا نیست چه رسد به مطالعه. در اعتراضی که به این وضع داشتیم، جناب رئیس دانشگاه با آن قیافه نورانی‌شان! به دانشجویان پیشنهاد کردند با این وضع راحت کنید یا نصف‌تان در شهر خانه بگیرید تا بتیبه راحت باشند. لازم به ذکر است دکتر شجاع رئیس پیشین این دانشگاه، چندین میلیون تومان بودجه خوابگاه دانشجویی را برای خوش خدمتی در پیش مقامات بالاتر، تحت عنوان صرفه جویی پس فرستاده بود.

... ضمناً دانشجویان خوابگاه ما از فشارهای متعدد دیگری نیز رنج می‌برند. این خوابگاه با وجود بیش از هزار دانشجو فاقد سلف سرویس است. برای این تعداد دانشجو باضافه ۱۵۰ نفر دانشجوی متاهل تنها یک دستگاه تلفن وجود دارد. از ۸ صبح تا ۸ شب بلندگوهای محوطه خوابگاه با صدای گوشخراش دانشجویان را برای مکالمه تلفنی فرا می‌خوانند. برای تکمیل فشارهای روانی صبح و ظهر و شب اقدام به پخش قرآن، اذان، دعای کمیل و مرثیه و ... از بلندگو می‌کنند. در سایر دانشگاه‌ها و مدارس عالی نیز وضعیت کم و بیش بر همین روال است. دانشجویان از نظر فشارهای سیاسی، کمبودهای آموزشی و شرایط رفاهی و زیستی در شرایط وضعیت سختی بسر می‌برند. در اعتراضنامه‌ای که با امضای دانشجویان ترم سوم پزشکی دانشگاه تهران برای مقامات رژیم ارسال شده است، بر عدم انطباق دروس با نیازهای جامعه، پایین بودن سطح سواد علمی برخی

از استادان، پائین بودن کیفیت برنامه‌های آموزشی، "سرکوب هر گونه انتقاد و پیشنهاد دانشجویان تحت عنوان مخالفت با ولایت فقیه" تاکید شده است. همچنین در رابطه با مشکل خوابگاه دانشجویان، در این نامه گفته شده است که خوابگاه‌ها از امکانات بهداشتی محروم هستند و در خوابگاه‌ها بیماریهای پوستی و قارچی شیوع بسیار دارد.

در رابطه با وضع غذای سلف سرویس دانشگاه در همین نامه گفته شده است که انواع حشرات و غیره هر روز در ظروف غذای دانشجویان دیده می‌شود. در نامه مزبور قید شده است که به اعتراضات دانشجویان با قنوت و تهدید و در بهترین صورت با "دعوت به صبر"، پاسخ داده می‌شود.

دست اندرکاران حکومتی در مراکز آموزش عالی تلاش می‌کنند نظارت و کنترل خود را بر دانشجویان افزایش دهند. فعالیت‌های انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها، بیش از پیش جنبه جاسوسی و خبرچینی بخود می‌گیرد. دانشجویان نام آنها را "آنتن" و "دکل" گذاشته‌اند و در این زمینه طنزها و لطایف بسیاری نیز پدید آمده است. نمونه‌ها و کژارشات کویایی از طرد و انزوی شدید انجمنهای اسلامی و نیروهای وابسته به حکومت دیده می‌شود.

بالا گرفتن بحران عمومی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و گسترش اعتراضات و نارضایتی مردم از سرکوبگریها و نیز فجاج آموزشی رژیم در دانشگاه‌ها و بویژه اخراج گسترده دانشجویان و استادان در میان سردمداران جمهوری اسلامی، دست زدن به برخی مانورها و اقدامات ظاهری در دانشگاه‌ها راه به دنبال داشته است. که این خود به درگیریهای نیروهای مختلف حکومتی در مراکز آموزش عالی دامن زده است.

اوضاع فاجعه آمیز دانشگاه‌ها

بهر حال اکنون در کنار انگیزه‌های سیاسی دانشجویان در مخالفت با سیاستها و مامیت ضد مردمی رژیم، تشدید مشکلات دانشجویان و رشد روزافزون نارضایتی در میان آنان از یک سو و بی‌توجهی مسئولین نسبت به این مشکلات که اختناق و سرکوب بی‌سابقه را نیز با خود همراه دارد، نمی‌تواند به برخورد و اعتراضات گسترده‌تر و تندتر دانشجویان با آیدای رژیم نیانجامد.

چندی پیش وزیر آموزش عالی جمهوری اسلامی در مجلس کارنامه رژیم را در زمینه آموزش عالی ارائه کرد. وی با مقایسه آمار دانشجویان و استادان در مراکز آموزش عالی ایران با سایر کشورها، گفت در حال حاضر در ایران ۱۵۰ هزار دانشجو وجود دارد که با حساب ۲۰ هزار دانشجوی تربیت معلم، به ۱۸۰ هزار نفر می‌رسد در ایران هر ۲۲ نفر دانشجوییک استاد دارند در حالیکه این رقم حدود دو برابر متوسط سایر کشورهاست. بودجه‌ای که به مسئله آموزش عالی اختصاص داده می‌شود، ۲/۵ درصد کل بودجه دولتی است، حال آنکه کشورهای دیگر تا ۸ درصد بودجه خود را به این امر اختصاص می‌دهند.

همچنین رئیس دانشگاه تهران نیز در یک مصاحبه گفت: نزدیک به بیست و پنج هزار دانشجو در این دانشگاه (دانشگاه تهران) مشغول تحصیل هستند و این در حالی است که خوابگاههای دانشگاه تهران گنجایش بیش از ۲ هزار نفر را ندارند. @

قابنده باد مشعل رزم فدائیان!



نفری به خواندن آنها می پرداختند. مردم زیادی جمع شدند. همه با اشتیاق از "فدایی" نام می بردند. بعد از ده دقیقه کمیته بهارستان سر رسید. کمیته چی ما با بلندگو از مردم خواستند به اعلامیه ها دست نزده و متفرق شوند. صحنه شادی آوری بود. کمیته چی ها سراسیمه بودند و در عوض مردم ابراز شادی می کردند و با خشم و نفرت به مزدوران رژیم می تکر می کردند. در این میان یک اتفاق جالب پیش آمد. یکی از مقامات که با ماشین ضد کلوله عبور می کرد در برخورد با ازدحام مردم متوقف شد و هنگامی که متوجه جریان گردید به یکی از محافظین خود دستور داد تا از یک درخت بالا رود و اعلامیه ای را که در میان شاخه های آن گیر کرده بود، بردارد. مردم به این جریان بوزخند می زدند و با صدای بلند متلک می گفتند.

پخش اعلامیه از بالای ساختمان پلاسکو در تهران انگاس وسیعی یافت. ما این شیوه را قبلا با پخش اعلامیه از بالای ساختمان بلندی که در نزدیکی ایستگاه کاره (در جوار میدان انقلاب) واقع است، تجربه کرده بودیم. از بالای این ساختمان صداها تراکت در مورد زندانیان سیاسی پخش شد که تنها تعداد انتتشت شاری از آنها روی زمین باقی ماند و به دست کمیته چی های سراسیمه و وحشت زده افتاد.

در ۴ سینما که فیلمهای خوب نمایش می دادند (نظیر مادرماریا) از بالکن سینما اعلامیه مربوطه به جنت و زندانیان سیاسی پخش گردید که با استقبال مردم مواجه شد. مردم اکثر اعلامیه ها را با خود بردند. در دو مورد، ۱۵ دقیقه بعد از پخش اعلامیه پاسداران سر رسیدند و جلوی در سینما شروع به بازرسی بدنی مردم کردند. این گونه تلاشهای کمیته چی ما به برد کار ما بیشتر می افزاید و بازتاب اقدامات تبلیغی ما را وسیع تر می کند. به قول رفقا به کمیته چی ها باید گفت: عرض خود می پری و زحمت ما می داری! این گونه کنترلهای و بازرسی ها را با رعایت اصول امنیتی می توان خنثی کرد اما در عوض رژیم به این وسیله خود را بیشتر بی آبرو می سازد.

استقبال مردم از اعلامیه های پخش شده همواره بسیار چشمگیر و شورآفرین بوده است. جلوی در ورودی یک زمین خاکی که بچه های محل در آن مسابقه می دادند و حدود ۲۰۰ نفر تماشاگر در آن جمع شده بود، یک دسته اعلامیه گذاشتیم. بعد از پایان مسابقه به هر کس یک یادو اعلامیه رسید. در مواردی افراد بر سر به دست آوردن اعلامیه بیشتر باهم جر و بحث می کردند. در منطقه زیرپوشش ما، در داخل کیوسکهای تلفن و اتوبوسهای شرکت واحد، و هر نقطه ای که گمان می کنیم موثر واقع می شود، شعارهای سازمان و نیز طول موج و ساعت پخش رادیوی صدای زحمتکشان، نقش بسته است.

در حال حاضر از پست کردن اعلامیه های

کوچه ها را جولانگاه کژمه های رنکارتک خود کرده است و هر ندای آزادیخواهانه ای را با زندان و اعدام پاسخ می گوید.

گزارشهایی که رفقای مبلغ و سازمانگر ما از فعالیتهای خود می نویسندهمگی سندهایی هستند که بر شور و آگاهی دشمن شکن آنها دلالت دارد. این گزارشها پاسخهایی در خور هستند به الزامات فدایی بودن. به نمونه ای از این گزارشها نظر می افکنیم، گزارشی که مسئول یکی از واحدهای سازمان در تهران برای نشریه مانگاشته است:

"... در زیر نمونه هایی از حرکات چشمگیر رفقا را در چند هفته گذشته برایتان می نویسم اما قبلا باید بتویم که فعالیت بچه ها در ظرف هفت هشت ماهی که پشت سر نهاده ایم، گسترش عجیبی یافته است و دیگر آدم لازم نیست برای دیدن کارهای تبلیغی رفقا چشمان تیز بین، داشته باشد. هر ناظری به سادگی

در خدمت خلق می طپد با شما
زیبائی جنبش است ایما شما
این باغ چه عاقتان به جایا تو است
از خون شما و از عکس زیا شما

می تواند شعارهای سازمان را بر دیوارها، کیوسکهای تلفن، داخل اتوبوسهای شرکت واحد، آسانسورها و... ببینند. اما رفقا! با تمام حرکاتی که صورت گرفته هنوز راهی طولانی در پیش است تا بتوانیم به مجموعه و نظایفی که بردوش ماست، جامه عمل پوشیم و به راستی شایسته عنوان فدایی خلق باشیم. ما مصمیم که یک دم نیز آرام تکبیریم. همه رفقا برای ابراز ایثار و فداکاری، تا بدان حد که بتوانند ارتجاع رایبسخی دندان شکن دهد، آماده هستند. ما هر روز دستاوردهای بیشتری در زمینه تبلیغ و سازمانگری در میان مردم، در میان کارگران و زحمتکشان به دست می آوریم، اما به هیچ یک بسنده نمی کنیم. باید دامنه ابتکارات انقلابی خود را گسترش بخشیم و مشعل رزم خود را دم فروز انترسازیم..

به گزارش برخی از فعالیتهای تبلیغی ما بپردازم:

سه هفته پیش، از طبقات بالای ساختمان پلاسکو تعداد زیادی اعلامیه در مورد اعتصاب کارگران ذوب آهن پخش شد، اعلامیه ها شلوغترین نقطه خیابان جمهوری را پوشاندند. مردم با اشتیاق آنها را بر می داشتند، یا در جیب خود می نهادند و یا چند

"... مقدار زیادی اعلامیه در کارخانه تراکتورسازی پخش شد. وحشت انجمن اسلامی و مدیریت به حدی بالا گرفت که سپاه را خبر کردند. همه کارگران را وقت خروج از کارخانه بازرسی بدنی کردند تا با خود اعلامیه نبرند. تا چند روز بازرسی بدنی در هنگام ورود به کارخانه نیز معمول شد. همین وحشت عوامل رژیم بازتاب پخش اعلامیه های ما را در میان کارگران، وسعت بیشتری بخشید:"

"... بر طبق قرار قبلی به یکباره در چند دانشکده دانشگاه تهران کار را پخش کردیم. آروز همه لبخندا برای ما معنی ویژه ای داشتند. حرکتیمان تاثیر مطلوب خود را به جا گذاشته بود."

"... روز بعد نوبت کارخانه داروپخش بود. وقتی کارگران دسته دسته از کارخانه بیرون می آمدند اعلامیه ها را پخش کردیم. بی گمان به هر کس بیش از یکی رسید..."

"... پخش وسیع اعلامیه در خیابان آذربایجان..."

"... شعار نویسی گسترده در جنوب غربی تهران..."

"... پخش اعلامیه در جاده ساره..."

"... خیابان جمهوری..."

آری! فدائیان خلق پیش می تازند، استوار زنان و مردانی که بر ۱۴ سال دلآوری، پایمردی و پویندگی تکیه دارند، رزمندگانی که بر بنیاد آگاهی دوران ساز خویش بدر آگاهی می پراکنند و در پیرامون خویش، در شعاعی گسترده، گسترده آنچنان که دور افتاده ترین روستای میهنمان را نیز در برمی گیرد، شور و امید می آفرینند. آنان با تلاشی پیگیر توره های اختناق را پاره کرده و عرصه را بر دشمنان تنگ می کنند. حضور آنان در میان کارگران و زحمتکشان حضوری ملموس است، حضوری که حکایت از یک درهم تنیدگی انکارناپذیر دارد.

فدائیان خلق در آستانه پانزدهمین سال حیات پرافتخار سازمان خویش، بنا بر این رهنمود که "آگاه سازی و بسیج و سازماندهی توده ها در گرو پیشبرد موثر و گسترده افشاکاری و تبلیغ سیاسی در سطح جامعه است" امر تبلیغ سیاسی را با گستردگی و خلاقیت، و با شهامت و از خود کلاشتکی به انجام می رسانند، پیام کمونیستهای ایران را که "صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" است به میان توده های مردم می برند و آگاهی و تشکل را با کوچکترین نمود نارضایتی و انزجار از نظام موجود در می آمیزند. آنان پرچم رزم انقلابی خود را در شرایطی برافراشته نگه داشته اند که ارتجاع دم بدم اسارتگاههایش را گسترش می بخشد، خیابانها و

سازمان تنها به عنوان یک شکل محدود فعالیت تبلیغی استفاده می شود چرا که بخش کار و اعلامیه ما عمدتاً به صورت مستقیم انجام می گیرد. در مورد تاثیر بخشی اوراق پست شده، رفقا نمونه های جالبی را مشاهده کرده اند. خود من شاهد مکالمه دو نفر دانشجو بودم که در داخل اتوبوس از شماره جدید کار که از طریق پست دریافت کرده اند صحبت می کردند. آنها می گفتند: "فدایی ها برای اعلامیه پست می کنند." در یک مورد یک فرد زحمتکش که اعلامیه و تراکت های سازمان در مورد جنگ را از طریق پست دریافت کرده بود، اعلامیه را به دیگران نشان داده و گفته بود: "فدایی ها برای من نامه فرستاده و گفته اند جنگ باید تمام شود، مردم صلح می خواهند". اطرافیان این فرد زحمتکش مرتب از او سراغ اعلامیه های جدید را می گیرند و او در پاسخ می گوید وقتی به دستم رسید، برایتان می آورم.

در یک مورد دیگر شاهد بوده ایم که یکی از زنان محله ای که در آن اعلامیه پخش شده بود، اعلامیه را به همسایه ها نشان داده و می گفت: "علیه دولت نوشته، این فدایی ها ساکت ننشسته و مبارزه می کنند."

تبلیغات وسیع ما خشم ارتجاع را برانگیخته است. هر نقطه ای که زیر پوشش تبلیغات ما قرار می گیرد، بلافاصله شاهد یورش کمیته چی های می گردد. یکی از مسئولین حزب جمهوری اسلامی در جمعی با حضور مقامات استانداری گفته است: "۹۰ درصد اعلامیه هایی که در قزوین پخش می شود، مربوط به فدائیان است. به زودی ترتیب آنها را می دهیم."

ما پیوسته شیوه های کار خود را تکامل داده و با ابتکارات خود گزیده های رژیم را غافلگیر و حیرت زده می کنیم.

رفقا! ما می کوشیم وظایف خود را با جدیت و پیگیری به انجام رسانیم.

استقبال مردم و نیازهای جنیش ما را بر آن می دارد که مرکز به یک یا چند دستاورد - هر قدر هم که تاثیر بگذارد - قانع نشویم. ما فدایی خلقیم، این عنوان باید در این شرایط تلوی شایسته خویش را بیابد."

همه گزارشها چنینند: از ایثار و تلاش حکایت دارند و شور و شوری که پشت دشمن را می لرزاند. ما در آینده می کوشیم نمونه های بیشتری از فعالیت های تبلیغی رفقایمان را در نشریه درج کنیم. اکنون باز به بریده های دیگری از گزارش های تبلیغی فدائیان در داخل کشور، نظر می افکنیم:

"... ساعت ۴/۵ بعد از ظهر یک هفته از رفقا ۲۰۰ اعلامیه مربوط به جنگ را در جلوی دبیرخانه دانشگاه پخش کردند. نیم ساعت بعد هفته دیگری ۵۰۰ اعلامیه در خیابان مولوی پخش کرد. رفقا طبق برنامه تنظیم شده به سرعت از محل دور شدند. رفقای ناظر، استقبال مردم از اعلامیه ها را بی نظیر گزارش کرده اند. در میدان مولوی، نیم ساعت بعد از پخش اعلامیه کمیته چی ها سر رسیدند و با خودشان هم مانده بودند که باید بقیه چه کسی را بگیرند. رفقا! شور و فعالیت همین دو هفته تا به حدی است که اصرار می ورزند روزی دست کم دوبار پخش داشته باشند. در صد دیدم سلول های انتشاراتی بیشتری

را به کار اندازیم تا پاسخگوی نیازهای همه رفقای این قسمت باشد."

"... همزمان سه هفته اعلامیه ها را در دروازه شمیران، میدان امام حسین و میدان هفت حوض پخش کردند. رفقا از تاثیر کار خود بسیار شادمان گشته اند. امیدواریم در گزارش بعدی بتوانیم نمونه های بیشتری را ارائه دهیم."

"... دریاچی آباد به دنبال پخش وسیع کار و شعار نویسی گسترده بچه ها، بر تعداد کشت های شبانه افزوده اند. از قراری که شنیدیم برای بسیجی ها دستورالعمل های تازه ای رسیده است... رفقا با هوشیاری و لایفه انقلابی خود را به انجام می رسانند. کفترهای جدید امنیتی مزدوران رژیم، فعالیت های تبلیغی ما را دچار وقفه نساخته است."

"... در منطقه سی متری چی، که مامورین از زودن شعارهای فدائیان خلق ناتوان مانده اند، در کنار شعارهای فدائیان خلق در دفاع از حقوق

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران:

رفقا!

فرزندان جنبش کارگری و کمونیستی ایران! مبارزه عزم تان استوار، رزم تان بر توان، اندیشه تان بر بار و قلب تان پر شور و آتشین باد! همواره همتگونه و باز بر توان فر پرچم رزم کارگران و رنجبران بدست شما آرزوهای روزگار ما بدست شما که جان در بیگان دشمن سوز انقلاب می فحید، از خاکستر مرگ و اندوه، گلزار شاد زندگی را فرامی رویانید و بر آوار کاخ ستم، کاخ سروری و دادگری رنجبران را بیامی کنید، افراشته و افراشته تیر باد!

سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می کوبید و پهنای ایران را فرامی گیرد. چرا که ما به دیدار زندگی از دیوارهای مرگ می گذریم و در ژرفنای طلعت بدر آفتاب می کاریم و بسوی پیروزی، بسوی آزادی و پیروزی، بسوی روز نو و جشن نوروزی پیش می رویم.

کارگران نوشتند: مرگ بر کارگر و فدایی! این شعار، به مثابه خود افشاکری ارتجاع، ساکنین سی متری چی را بیشتر از پیش به میزان نفرت حکومت از طبقه کارگر و علت کینه آنان نسبت به فدائیان خلق، واقف ساخت."

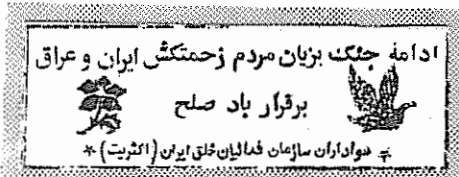
"... در شهر ما (گنبد کاووس) شعار نویسی رفقا نیروهای رژیم را به وحشت انداخته است. به شهربانی دستور داده اند که به شدت مواظب شعار نویسی فدایی ها بوده و در دیوارها را پاک کنند. شنیده شده است که برای کمیته و شهربانی جلساتی تشکیل داده و برای جلوگیری از تبلیغات سازمان، به آنها دستورات جدیدی داده اند."

"... در نهاوند، به دنبال پخش وسیع اعلامیه سازمان در مورد جنگ، کمیته چی ها یک نسخه از اعلامیه را در نماز جمعه خوانده و به زعم خودشان برای فحاشی به ما آن را تفسیر کردند. احقها با این کارشان برد انتشار اعلامیه را وسیعتر ساختند. همه

مردم نهاوند از طریق یکدیگر در جریان مضمون این اعلامیه قرار گرفتند."

"... در یک شب توانستیم بخش وسیعی از ماسوله را با "کار" ببوشانیم. در ماسوله به راحتی می توان به کار دسترسی پیدا کرد."

"... از برجسب استفاده وسیعی به عمل می آوریم. راه چاپ برجسب را به خوبی یاد گرفته ایم و اکنون هر هفته دست کم ۱۰۰۰ عدد برجسب را بر در دیوار منطقه می چسبانیم. نمونه ای از یک برجسب را همراه با این نامه برایتان می فرستم."



"مادریکی از رفقا که به خارج آمده است: یک روز صبح زود برای خرید نان از خانه خارج می شدم (در شهر فومن). مشاهده کردم که جلوی در همه خانه های یک اعلامیه گذاشته اند. برداشتم نگاه کردم، دیدم اعلامیه سازمان است. ذوق زده شدم. به جان همه بچه ها دعا کردم."

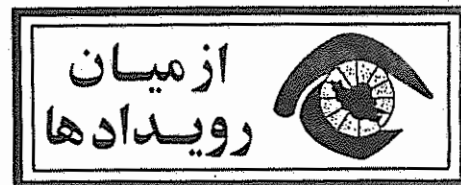
"نامه رفیقی از آلمان:

رفقا، اخیراً من با برادرم در ایران مکالمه تلفنی جالبی داشتم که خیلی مرا به وجد آورده است. هدفم از تلفن زدن به برادرم که هوادار است این بود که او را در جریان تشکیل پلنوم بگذارم، ولی او زودتر از من از این موضوع خبر داشت. تا آنجایی که به خاطر دارم مکالمه تلفنی ما چنین بود:

یک خبر خوش برایت دارم.
- مهمانی را می گویی؟ خودم خبر دارم. دیشب من می خواستم به تو تلفن بزنم و در جریانت بگذارم.
- پس وضعیتان خیلی خوب شده!

- آره. اگر کارت دعوت مهمانی (منظورش کار ویژه پلنوم بود) را می خواهی بگو برایت بفرستم. شلوار، پیراهن هر چیز دیگری هم می خواهی بگو. وضع تولید داخلی خیلی خوب شده است!"

ما نسخ توکم را خوانده است
رین گونه شوهر رفتن آموخته است
آره بخت تو گل طلوع شکست
جان همه ما شعله آموخته است



بالا گرفتن شدت جنگ در جبهه‌ها

در هفته گذشته درگیری بین ایران و عراق بویژه در جبهه جزیره مجنون، شدت یافت. عراق اعلام نمود که یک نیروی ۴۰۰۰۰ نفره را با کمک هواپیماهای جنگی، بسیج کرده است تا جزیره مجنون را تصرف کند. در مقابل جمهوری اسلامی اعلام کرد حمله عراق موفق نبوده و دفع گردیده است. هر دو طرف مدعی شدند که تعداد زیادی سرباز طرف مقابل را اسیر کرده‌اند.

جمهوری اسلامی در مجموع کوشید خبر مشخصی در مورد درگیریهای هفته گذشته انتشار ندهد و آنها را بی‌اهمیت جلوه دهد. در سطح مسئولین رژیم، تنها خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران، اشاره‌ای گذرا به حمله عراق نمود.

سفر وزیر اطلاعات به استانهای کرد نشین کشور

سفر اخیرری شهری، وزیر اطلاعات به استانهای کردستان و آذربایجان غربی نشان می‌دهد که وزیر اطلاعات در کمیسیون ویژه مسائل کردستان در هیات دولت (خبر تشکیل این کمیسیون در اکثریت شماره ۴۰ درج شده بود) نقش برجسته‌ای دارد.

ری شهری در سفر اخیر خود به استانهای کرد نشین ضمن بررسی اوضاع این مناطق، مدیران کل اطلاعات استانهای کردستان و آذربایجان غربی را معرفی نمود. جزئیات سفر وزیر اطلاعات به استانهای مذکور فاش نشده است. اما پیداست که ایجاد تشکیلات ساواک جمهوری اسلامی در این استانها از جمله دلایل اصلی آن بوده است.

قائم مقام کمیته‌ها:

مامجری اوامر وزارت اطلاعات هستیم

حجت الاسلام احمد سالک قائم مقام کمیته‌های انقلاب اسلامی در طی گفتگویی با روزنامه جمهوری اسلامی اعلام نمود که کمیته‌ها در رابطه مستقیم با وزارت اطلاعات هستند و به مثابه یکی از بازوهای اجرایی ساواک جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.

وی در این گفتگو همچنین اعلام داشت طرحی از حدود ۱/۵ سال پیش در کمیسیون امور دفاعی مجلس مورد بحث قرار دارد که بر مبنای آن شهرستانی، ژاندارمری و کمیته‌ها درهم ادغام خواهند شد. در مورد این طرح هنوز تصمیم‌گیری نهایی به عمل نیامده است اما علی‌رغم این موضوع در زمینه‌های خاصی نیروهای انتظامی درهم ادغام می‌شوند که نمونه آن تشکیل پاسگاههای تلفیقی در مرزهاست. به گفته حجت الاسلام سالک در سینار فرماندهان کمیته‌ها در مشهد تا کنون ۷۸ پاسگاه تلفیقی در مرزهای شرقی کشور، ایجاد شده است و قرار است به تدریج درهم

پاسگاههای مرزهای کشور نیروهای کمیته در کنار نفرات ژاندارمری مستقر شوند.

عقد قرارداد سه میلیارد دلاری با ترکیه

در سفر اخیر میر حسین موسوی به ترکیه یک قرارداد تجاری و اقتصادی سه میلیارد دلاری برای مدت یک سال بین جمهوری اسلامی و رژیم ترکیه به امضا رسید. بر اساس این قرارداد جمهوری اسلامی در مقابل صدور ۶ میلیون تن نفت، دو میلیون تن فرآورده‌های آن و اندکی اقلام غیرنفتی به ترکیه، فلزات، منسوجات، ماشین‌آلات، ابزار صنعتی، وسایل الکتریکی و الکترونیکی، مواد شیمیایی و پلاستیکی و برخی محصولات دیگر از این کشور خریداری خواهد کرد. موسوی و اوزال، نخست‌وزیران دو کشور، از انعقاد قرارداد ابراز خرسندی بسیار کرده و آثرا به سود دو رژیم خواندند. میر حسین موسوی در این مورد گفت خطاب به تورکوت اوزال گفت: "ما برای رابطه خود با شما اهمیت زیادی قائلیم. توسعه روابط اقتصادی و تجاری ما با شما جنبه موقت ندارد، بلکه پیوستگی عمیقی به آینده خواهد داشت و ما آن را جزو برنامه‌های درازمدت خود می‌دانیم. برای ما خرید از کشور شما یک جنبه عقیدتی دارد."

یکی از موفقیت‌های دولت ترکیه در ملاقات اوزال با میر حسین موسوی جلب نظر رژیم جمهوری اسلامی برای صدور گاز و نفت ایران از طریق دریای مدیترانه است. انجام این پروژه که منوط به عبور خط لوله از خاک ترکیه است، منافع فراوانی برای رژیم ترکیه در بر خواهد داشت.

به نوشته روزنامه‌های غربی، یکی دیگر از موفقیت‌های اوزال در این مذاکرات تعهد رژیم ایران مبنی بر ایجاد تضمینات بیشتر برای ارامنه است. در مورد تصمیمات مشترک دو رژیم در جریان این مذاکرات برای سرکوب خلق کرد در ایران و ترکیه، خبر مشخصی انتشار نیافته است.

کمبود مواد سوختی، همچنان ادامه دارد

علی‌رغم تداوم سرمای شدید ماه گذشته خاصه در استانهایی همچون آذربایجان و کردستان، عرضه مواد سوختی همچنان اندک است و در این زمینه تغییر محسوسی پیش نیامده است. دولت در موارد متعددی کوشید در زمینه کمبود مواد سوختی توزیع کننده‌های جز، را مقصر جلوه دهد ولی این گونه تمهیدات برای کاهش حرکات اعتراضی مردم در این عرصه، مسیر واقع نشد. مردم به درستی تداوم جنگ را عامل اصلی کمبود نفت می‌دانند و در صفهای طولی که جلوی نفت فروشی‌ها تشکیل می‌شود این عقیده را ابراز داشته و با صدای بلند نعرت خود را از رژیم اعلام می‌کنند. برخی از شهرستانها چندین هفته است که سهمیه نفت خود را دریافت نکرده‌اند به عنوان نمونه اهالی شبستر در تماس با روزنامه کیهان اعلام کرده‌اند که بیش از یک ماه است نفت به این شهر نیامده و این در حالی است که مردم مجبورند در سرمای ۱۰ درجه زیر صفر، ساعتها در مقابل نفت فروشی‌ها منتظر بمانند و بالاخره دست خالی به خانه‌های سرد خود بازگردند. مسئول شعبه شماره یک نفت در شبستر ادعای رژیم

مبنی بر این که نفت فروشی‌ها در کمبود مواد سوختی مقصرند را تکذیب کرده و گفته است: "از آخر آذرماه پول سه تا نکر نفت را فرستاده ایم اما هنوز از تیریز برای ما نفت نرسیده است."

تداوم درگیری بر سر کمیته امور صنفی

درگیری بر سر کمیته امور صنفی همچنان ادامه دارد. تجار بزرگی که بازار را در زیر سلطه خود دارند، به دنبال اعلام غیرقانونی بودن کمیته امور صنفی از سوی وزارت بازرگانی، نشان داده‌اند که بسیار متشکل و حساب شده عمل کرده و حاضر به پذیرش هیچگونه کنترل دولتی نیستند.

همچنان که در "اکثریت" شماره ۴۰ در همین صفحه خبر دادیم، سران بازار در طی یک گردهمایی تصمیم گرفته‌اند در جهت تشکیل مجمع امور صنفی و شورای مرکزی اصناف حرکت کنند و به این ترتیب با بسیج و بکارگیری اتحادیه‌های متعدد صنفی زیر سلطه خود، حرفشان را در برابر وزارت بازرگانی به کرسی بنشانند. به دنبال این گردهمایی، از سوی اتحادیه‌های مختلف اصناف، پیاپی، اطلاعیه‌های پشتیبانی مختلفی در جراید به چاپ رسید که هنوز وزارت بازرگانی نتوانسته است در برابر آنها از خود واکنش نشان دهد. نمونه‌ای از این اطلاعیه‌ها در زیر کلیشه شده است:

بسمه تعالی
انجمن نظارت بر انتخابات صنفی تهران

تصمیمات مجمع عمومی مورخ ۱۶/۰۱/۶۳ در مسجد امام جهت اجرای ماده ماده ۱۰ و ۳۱ قانون نظام صنفی مصوبه شورای انقلاب اسلامی با انتخاب به جا و نایب به برادران حاج محسن لبانی و حاج مجتبی قائم مقام و حاج محمد تگوییان بست هیئت رئیسه، موجب شغری اعضای این صنف گردید و هر چه رسد به تشکیل شورای عالی اصناف را خواستاریم.

اتحادیه صنف تهیه کنندگان و فروشندگان کالای کشف و جوراب کاموا، پتو و حوله تهران و حومه

انتکای رژیم به درآمدهای حاصل

از فروش نفت، دم به دم بیشتر می‌شود

رئیس و سه عضو کمیسیون نفت مجلس، در گفتگویی با کیهان اول بهمن، اعتراف کرده‌اند که انتکای رژیم به درآمدهای حاصل از فروش نفت، هر ساله افزایش بیشتری می‌یابد. حجت الاسلام سعیدیان فر عضو کمیسیون مذکور، در این گفتگو اعلام نمود: "هم اکنون بودجه ما طبق آنچه بطور رسمی ارائه شده حدود ۵۰ درصد متکی به نفت است که در حقیقت ۹۰ درصد به نفت تکیه دارد."

اعضای کمیسیون نفت مجلس همگی معترفند که طرح افزایش تولید کالاهای غیرنفتی عملا در حد حرف و شعار باقی مانده است و انتکای به نفت دم به دم بیشتر شده است.

نورالله عابدی نماینده بهبهان در مجلس در گفتگویی مذکور جدول زیر را ارائه نمود که نشان دهنده نقش فائده درآمدهای نفتی در بودجه سالهای ۶۲، ۶۳ و سال آینده است.

ردیف	نوع درآمد	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
۱	نفت	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰
۲	علاقه حاصل از فروش ارز	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۳	علاقه حاصل از فروش طلا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۴	علاقه حاصل از فروش نفت	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۵	علاقه حاصل از فروش کالاهای غیرنفتی	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۶	علاقه حاصل از فروش خدمات	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۷	علاقه حاصل از فروش سایر اقلام	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۸	علاقه حاصل از فروش سایر اقلام	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۹	علاقه حاصل از فروش سایر اقلام	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
۱۰	علاقه حاصل از فروش سایر اقلام	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰

شرط دادن لاستیک به کامیونها رفتن به جبهه است

از این پس کامیونها باید سهمیه لاستیک خود را از ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی تحویل گیرند. این ستاد با انتشار اطلاعیه ای ضمن اعلام این مطلب تاکید کرده است که شرط دادن لاستیک به کامیونها، آن است که حداقل ۱۵ روز در سال در جبهه به کار گذاشته شوند.

قبلا نیز دولت برای دادن لاستیک چنین شرطی را گذاشته بود و اکنون با سپردن همه موجودی لاستیک به دست ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی، تلاش می شود که هیچ مفری برای خودداری از رفتن به جبهه برای صاحبان کامیونها باقی گذاشته نشود. رانندگان به شدت نسبت به این تصمیم اعتراض دارند. آنها تا کنون بازها نسبت به این قبیل تصمیمات به صورت متشکل اعتراض نموده اند. اطلاعیه جدید ستاد پشتیبانی جنگ به حرکت اعتراضی رانندگان کامیونها، دامنه وسیعتری خواهد داد.

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آذرماه سال جاری

شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران، در آذرماه سال جاری از سوی اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، اعلام شد. ارقام رسمی با اینکه از رقم واقعی افزایش قیمتها بسیار کمتر است اما گوشه هایی از واقعیات را تصویر می کند.

بر اساس گزارش منتشره شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آذرماه ۱۳۶۲، با عدد ۲۸۴/۴ نسبت به ماه قبل ۱/۷ درصد بالا رفت. این شاخص نسبت به ماه مشابه سال قبل ۷/۲ درصد افزایش نشان می دهد. بر طبق همین گزارش، طی نه ماه اول سال جاری، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران، بطور متوسط ۷/۵ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است.

هیچ چشم انداز روشنی برای از سرگیری مسابقات فوتبال، وجود ندارد

به دنبال دو حرکت اعتراضی گسترده در ورزشگاه امجدیه، اکنون بیش از سه ماه است که برگزاری مسابقات فوتبال در تهران و برخی از شهرستانها متوقف شده است. در اواخر ماه گذشته رئیس هیات فوتبال تهران اعلام نمود که "برای راه اندازی مسابقات باشگاههای تهران، حداقل هماهنگی هفت ارکان (که طبیعتا در رأس آنها وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی قرار دارند) لازم است." معنای این سخن آن است که هیچ چشم انداز روشنی برای از سرگیری مسابقات فوتبال وجود ندارد. رئیس هیات فوتبال با تاکید بر روی مساله هماهنگی هفت ارکان "تلویحا خواستار آن است که به خاطر تعویق مسابقات، این هیات مقصر قلمداد نشود. واقعیت هم این است که اجازه از سرگیری مسابقات باید از سوی وزارت اطلاعات صادر شود نه نهادهای ورزشی.

در حاشیه

جنگ

نجات مستضعفان از عالم نیستی است!

ملاحسنی امام جمعه ارومیه: "همانطور که می دانید جنگ در راس مسائل است و این جنگ برای ما طبیعی است و ما باید با این حرکتمان که بر اساس تقوی است، مستضعفان و محرومین عالم را از غرق شدن در عالم نیستی نجات دهیم." (جمهوری اسلامی - بهمن)

خط و خطوط بازی

یک نماینده مجلس: "بنده به تمام مسئولین هشدار می دهم که از خطوط بازی دست بردارید و بیش از این به خود بیندیشید که اگر هوی کنار رود، باید خواسته تمام افراد به یک خط منتهی شود. بدانید که وجود خطوط مختلف، عده ای از فرصت طلبیان خائن و حیله گر را مجال می دهد که به هر حیله و نیرنگ خود را به یک طرف خط متصل کنند و در زیر پوشش آن خطانوائی یا نادرستی خود را پنهان نمایند. لذا وقتی به یک مقام مسئولی درباره عدم لیاقت فردی تذکر داده می شود، درباره آن فرد نالایق هیچ اقدامی نمی شود و در بعضی موارد هم مشاهده می شود یک فرد خائن را به شهر دیگر انتقال داده یا احيانا ترقیع مقام هم خواهد گرفت." (جمهوری اسلامی - ۲ بهمن)

اشکال کجاست؟

مشکینی رئیس مجلس خبرگان: "چه شده است که ما پس از گذشت ۵۶ سال از پیروزی انقلابمان باید گندم و برنج را از خارج تهیه کنیم. این برای ما شنگ است که نانمان را باید از کشورهای دیگر بیاوریم و این در حالی است که هم از قدرت بازو و هم از آب و خاک کافی برخورداریم. پس چرا چنین هستیم. آیا مجلس ما قدرت دادن طرح و نقشه را ندارد و یا آنها طرح ریزی کردند و به دولت دادند ولی دولت قدرت اجرا ندارد. مجلس مان را بحمد الله می پسندیم زیرا نمایندگانش را خودمان تعیین کردیم و انشاء الله خیانت نمی کنند. دولت مان هم که دولتی خیانتکار نیست... پس اشکال کجاست؟" (کیهان ۱۵ - دی)

وقتی ما زنده در آن چنین باشد و ای به حال یزد و کرمان و بلوچستان!

یک نماینده مجلس: "در منطقه ای که بنده زندگی می کنم با آن که یک منطقه کشا ورزی است، نه تنها اقدام موثری برای توسعه کشاورزی برداشته نشد، بلکه طوری عمل شد که اگر ادامه پیدا کند به سقوط کشاورزی منتهی خواهد شد... در آینده نزدیک برنج ما زنده در آن هم باید از تایلند یا پاکستان و غیره وارد شود." (جمهوری اسلامی - ۳ بهمن)

"دستاورد" های جمهوری اسلامی

یک نماینده مجلس:

"با طلیعه پیروزی انقلاب شاه فرار کرد و شاهنشاهی ما از رحمت اسلام مستفید شده و... ماسک مذهبی به چهره زده و با تغییر وضع ظاهری و ریختن اشک تمساح در وزارت تخانه ما نفوذ کردند... و باب ارتش* و اختلاس را جهت مطامع شخصی گشودند. از طرفی نیز فرصت طلب ها با خریدهای بی مورد و اخذ پورسانت های کلان و افتتاح حساب در خارج، اقتصاد کشور را به تیاهی کشاندند و در نتیجه، سربازان مالی و سومدیریت ها و کارکنانی ها شروع شد که آثار خیانتشان... مشهود است. انجام صدها فقره معاملات غیرقانونی در دفاتر اسنادرسی و عدم تبعیت سردفتران متخلف که هنوز هم ادامه دارد موجب خروج میلیاردها ارز از کشور گردیده و زمین های اوقاف را با تفکیک های غیرقانونی به فروش رساندند و اکثر سردفتران از پرداخت میلیون ها مالیات طفره رفتند... پرونده های عده ای از متخلفین از سال ۶۰ تاکنون بایگانی شده و بخشنامه های افراد ممنوع معامله به مدت یک سال دیرتر به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ گردیده که موجب انجام صدها فقره معامله غیرقانونی شده است که متاسفانه پرونده ها در بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات طبق این مدارک موجود است و خاکه می خورد... در بنیاد مستضعفان شهرستان خوی نیز... دهها میلیون ریال سواستفاده شده که متاسفانه باندبازیهایی موجب گردیده پرونده شاکتی مدت یک سال ونیم در خوی و تهران بایگانی شود." (کیهان - ۲۹ دی)

تقاضای یک استاد دانشگاه

وزیر فرهنگ و آموزش عالی:

"یک استادی برای من نوشته است تمام این حقوقی که شما به من می دهید من آنرا عینا به شما پس می دهم و چیزی برای خرج زندگی ام نمی خواهم شادر این شهر بیاید و اوقات به من بدهید که بتوانم زندگی کنم و شب مطالعه نمایم و روز درس بدهم." (کیهان - ۲۶ دی)

روشهای تربیتی مدارس ج.ا.

اولیای دانش آموزان:

"شاگردان هنرستان شهید سروندی در زندگی های تفریح مجبور بودند مانند زندانیان فیلم بازداشتگاه کلوییتس، در یک نقطه از حیاط ساکت و بی حرکت بایستند و از هرگونه بازی و جست و خیز خودداری کنند. تا این که چندی پیش فیلم دیگری از تلویزیون پخش شد و نشان داد زندانیان برای تنبیه، زندانیان را کلاغ پسر می برد. یعنی زندانیان باید روی پا نشسته و در حالی که دست هایشان پشت گردن قلاب شده است، مانند گنجشک مسافتی را بپوشند.

از روز بعد از نمایش این فیلم، هر یک از دانش آموزان هنرستان شهید سروندی که دیر به مدرسه برسند و یا اخلاقی انجام دهند باید با همین روش، دور حیاط را کلاغ پسر کنند." (کیهان - ۱۷ دی)

۱۹ بهمن، سالگشت اعلام موجودیت فدائیان خلق

حماسه پویندگی

بود که از این خیل دلاوران ۵۲ نفر به خاک و خون در غلطیدند. اسکندر صادقی نژاد، کارگر، عضو سندیکای فلزکار مکانیک. چنگیز قبادی، پزشک. بهروز دهقانی، نویسنده و یار هم‌زم صد بهرنگی. ... در میان شهیدان تقریباً همه سازمانگران اصلی این تشکیلات جوان نیز جای داشتند، مسعود احمدزاده، پرویز پویان، عباس مفتاحی و... لشکری از دلیران بودند که به ستم کشته می‌شدند. اما آن شعله‌ای که از قلب گرمشان برخاسته بود فروزانتر می‌شد. نبرد با دشمنان بهروزی مردم ادامه یافت.

حتی لحظه‌ای از شدت سرکوب رژیم سفاک پهلوی کاسته نشد، صفحات خونین تازه‌ای بر دفتر کار فدائیان نوشته می‌شد.

سال (۵)، محمد صفاری آشتیانی، از بازماندگان گروه جزئی، در دستگیری‌های سال ۴۶ ساواک نتوانسته بود به او دست یابد. صفاری نیز مانند صفایی به فلسطین رفته بود و در سال ۴۹ به میهن بازگشت. پس از ضربات سال ۴۹ نقش ستایش انگیزی در احیاء گروه ایفا نمود. تا بالاخره در تابستان ۵۱ آرش و ارجان خود برتیر کرد.

دیگر فدائیان نام آور شده بودند. آن عشق آتشی که در دلشان موج زد چنان قهرمانی‌هایی را موجب می‌شد که ستایش همگان را بر می‌انگیخت. احمد زبیرم، وقتیکه در تابستان ۵۱ در تورساواک گرفتار آمد با چنان سرسختی در برابر انبوه نفرات تا دندان مسلح دشمن به مقابله برخاست که موجی از همبستگی و همدردی در میان ساکنین محل درگیری - در جنوب شهر تهران - برپا کرد و خاطره آن پایدار ماند.

از کدامان باید سخن گفت، آن کارگر جوان یوسف زرکاری؟ و یا آن کارگر پر سابقه، حسن نوروزی؟ نوروزی همواره کارگر بود. از همان کودکی کار کرد و ستم کشید تا بالاخره جای خود را در کنار رفیقان فدایی باز یافت. او در سال ۵۲ در سرزمین

غفور حسن پور اصل: فارغ التحصیل پلی تکنیک تهران، عضو برجسته جنبش دانشجویی در نیمه اول دهه چهل. او در سازماندهی گروه جزئی پس از ضرب سال ۴۶ نقش مهمی ایفا کرد و کمی قبل از آغاز عملیات سیاهکل بازداشت شده بود.

جلیل انفرادی: کارگر، عضو فعال سندیکای فلزکار مکانیک
شعاع الله مشیدی: مهندس برق، سازمانت مبارزات دانشجویی دهه چهل

رژیم با دست زدن به کشتار این دلیرانی که سرشار از عشق به مردم بودند، آرزو می‌کرد جنبش فدائی را در نطفه خفه کند، اما هیچ چیز پایان نیافته بود. در همان بدو کار، اعلام حضور دلاورانه فدائیان خلق در جنبش انقلابی مردم ما، بازتاب گسترده‌ای در میان نیروهای انقلابی و مترقی و جنبش اعتراضی علیه دیکتاتوری رژیم سرسپرده شاه برجای گذاشت. جنبش دانشجویی که در آن سالها با نیرومندی با رژیم اختناق رویارویی می‌کرد، قبل از همه به روی فدائیان خلق آغوش گشود.

ساواک تشیقات تازه‌ای را برای بازداشتن این نهال تازه با از عروج بسوی نور آغاز کرد و همه نیرویش را بکار گرفت تا مگر که این جان برکفان ایثارگر را از رفتن بازدارد. اما فدائیان خلق راه نبرد تا به آخر، تا آخرین نفس را در پیش گرفته بودند. کسی را سر باز ایستادن نبود. چه اختراعی بر خاک افتادند! هنوز از ۲۶ اسفند ۴۹ یک سال نگذشته

باقیه از صفحه اول
از چند هفته در صبحگاه ۲۶ اسفند ۱۵ فدائی دلیر را در میدان تیر چیتگر به جوخه اعدام سپردند. نوروز هنوز فرا نرسیده بود که روزنامه‌ها خیر این جنایت رژیم را همراه نام شهیدان اعلام کردند.

علی اکبر صفائی فرامانی
غفور حسن پور اصل
جلیل انفرادی
شعاع الله مشیدی
احمد فرهودی
مادی بنده خدا لنگرودی

اسکندر رحیمی مسیحی
اسماعیل معینی عرفی
هوشنگ نیری
مادی فاضلی
عباس دانش بهزادی
ناصر سیف، دلیل صفایی
محمد علی محدث قندچی

علی اکبر صفائی فرامانی، فرمانده نیروهای فدائی در جنتلهای کیلان بود. او که بازمانده‌ای از گروه جزئی بود در سال ۴۶ توانسته بود نفرات گروه پیتر ساواک را ناکام گذارد. پس از آن تا چند سال «پارو» را در صفروف رزمندگان فلسطینی ادامه داد و پس در سال ۴۹ به میهن و به میان گروه بازگشت.

مراسم پرشکوه گرامیداشت "۱۹ بهمن" در تهران در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب



لرستان کشتند.
در سر لوحه شهیدان سال ۵۲ نام سه زن فدائی نقش بسته است: مرضیه احمدی اسکویی، شیرین فضیلت کلام، مریم شاهی. آنها پیوندگان راه ستیز زنان دریا دلی بودند که در جنبش فدائی جانی برجسته را به خود اختصاص داده اند.

مبارزه در این معرکه خون و آتش خود به مانند حماسه بود. اما حماسه سازمان پویندگی آن بود. سالی نمی گذشت که در آن درس تازه ای آموخته نشود. بدینگونه اندیشه جلای یافت و فدائیان قدرتمندتر می شدند. از تجاربی که آن همه گران به دست می آمد، برای هموارتر کردن راه پیوند با کارگران و زحمتکشان بهره گرفته می شد.

اگر بر اعلامیه های سازمان در سال ۵۲ مروری شود، دیده می شود که توجه و تاکید بر جنبش کارگری هر بار بیشتر می گردد. بدین گونه گوهر عشق به زحمتکشان، درخشش بیشتری می یابد.

در جمع بندی تجارب حاصله، سهم آن فدائییان که در سیاهچالهای رژیم شاه به بند کشیده شده بودند، ذقیقت است. نتایج این جمع بندی ها، در بیرون از زندان سلاح پیکار فدائیان را برنده تر می کند. رفیق بیژن جزئی در این میان نقش بی بدیلی ایفا می کرد. از همین رو از سوی رژیم حکم مرگ او صادر می شود. سال ۵۴، این گونه آغاز شده بود. بیژن و همزمانش را در همان زندان گلوله باران کردند. سال تلخی آغاز شده بود و همانگونه به تلخی ادامه یافت. آن سال رژیم بیش از چهل فدائی خلق را به شهادت رسانید. سفاکی غریبی بود. پاکترین فرزندان مردم را یکی پس از دیگری در خانه، خیابان و یا زندان به خون می کشیدند. اما هنوز روزهای هولناک تری در پیش بود. سال ۵۵ فرارسید. این بار تویت حمید اشرف بود.

حمید نیز از بازماندگان گروه بیژن بود. در ترمیم ضربات پس از عملیات سیاهکل و در انجام وحدت تشکیلاتی دو گروه فدائی، نقش عمده ای ایفا

کرد و تا زمان شهادت، همواره در هیئت رهبری سازمان ما جای داشت، با تیز هوشی و قاطعیت، بارها بار توره های پلیس و ساواک را از هم درید. اما بالاخره سازمان ما در سال ۵۵ او را از دست داد. نه فقط او که بیش از ۶۰ فدائی دیگر در این سال کشته شدند که تقریباً همه اعضا، رهبری سازمان نیز در میانشان بودند.

تلخ کامی های ناشی از مصیبت های بزرگ با دستاوردهای نظری پرارزشی جبران می شود. نتیجه مباحثاتی که تا این زمان در سلولهای سازمانی و در سطح جنبش پیش رفت به نتایج والایی انجامید، بگونه ای که سازمان را آماده ایفای نقشی شایسته در مبارزات رهنه گسترش مردم ساخته بود.

سال ۵۷ سازمان پرافتخار ما - برخاسته از خون و آتش - بگونه ای قدرتمند در مبارزه مردم و در هدایت آن به ست انقلاب تاثیر می گذارد. عملکرد سازمان در این سال، یکی از صفحات غرورانگیز حیات سازمان تا آن زمان به حساب می آید. جنبش فدائیان خلق چنان حضور نیرومندی در رویدادهای شکوهمند آن سال دارد که نام فدائی را با قیام و انقلاب مترادف کرده است، چنان که همه تشبثات بعدی مرتجعین برای زیر سایه کشاندن نقش سازمان، خطی بود که بر آب کشیده می شد. فدائیان خلق نه تنها در زمینه سازی رویدادهایی که به

رژیم صلیب، چه آتش جانم فدوست
پر شورترین شغل، زبانم فدوست
تا عشق تو در جگانه جهانم جاریست
زبانم هر آنچه در جگانه فدوست

انقلاب منجر شد بلکه در سازمانگری قیام مستقیماً حضور داشتند. فدائیان بسیاری در پیشاپیش مردم در یورش به دژهای دشمن به خون در غلیدند که رفیق قاسم سیادت، عضو کمیته مرکزی، از جمله آنان بود.

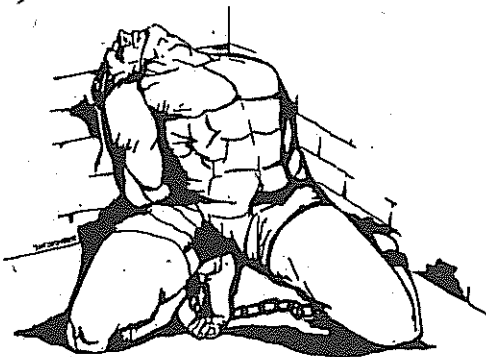
وقتی که میهن ما از لوث وجود رژیم ننگین شاه پاک شد، دور تازه مبارزه فدائیان در پاسداری از انقلاب - این ثمره گرانقدر مبارزه در از مدت مردم - آغاز شد. انقلاب نوپا را خطرات بسیاری از درون و بیرون تهدید می کرد. عرصه های بکلی نوینی برای انجام وظایف انقلابی کشوده شد. به وظایف در تک ناپذیری می بایست پاسخ داده می شد. سازمان در حالیکه این بار نیرو و توانش از هر زمان دیگری افزونتر بود و نیز در حالیکه از هر سو از جانب آبادی امپریالیسم و ارتجاع تحت یورش قرار داشت، به ایفای وظایفی پرداخت که انقلاب برعهده اش گذاشته بود.

به هنگامیکه تمامی پهنه میهن را خروش انقلاب در می نوردید، فدائیان خلق در پیوند همواره گسترش یابنده با مردم، سیر فرازمند خود را شتاب می بخشیدند، تا بدانجا که توانستند در کنار حزب توده ایران، با شایستگی به ایفای وظایفی بپردازند که به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر برعهده داشتند و به عنوان بخشی از جنبش جهانی کمونیستی، انترناسیونالیسم پرولتری را پاس دادند. این شهد تیزبینی است که ثمره گرانقدر همه آن سالها نبرد بی امان در راه بهروزی و سعادت مردم و استقلال و آزادی میهن می باشد.

اکنون فدائیان خلق، برخوردار از زلالی اندیشه طبقه کارگر، مصمم تر از همیشه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نبرد می کنند، تا سیطره مرتجعین سیاه کار زودده و بندهای هرگونه وابستگی به امپریالیسم از هم دریده شود. بی گمان نتیجه این نبرد با پیروزی مردم رقم زده خواهد شد.



مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران (۵)



وضعیت صنفی زندانیان اوین

آخرین گزارشی که در مورد زندان اوین دریافت کرده ایم، وضعیت صنفی زندانیان را در این اسارتگاه، این چنین توصیف می کند:

وضعیت غذا در اوین فوق العاده پائین است. کمیت غذای نیز آنقدر کم است که همگی در حال گرسنگی دائم بسر می برند. نهار معمولاً آبگوشت (بدون ذره ای گوشت) و یک کبی برنج با پدیده ای که به خورشت موسوم است، و هفته ای یکبار آش رشته می دهند. هر کس در میان این غذاها بتواند ذره ای گوشت پیدا کند، انگشت نشان بقیه می شود. شبها هفته ای سه بار کوزه و حلواشکری می دهند به گونه ای که به هر نفر ۲۰ گرم حلوا و ۲۰ گرم کوزه می رسد. بقیه شبها شام معمولاً نان و پنیر است و در مواردی در فصل تابستان خربزه. زندانیان مجبورند از طریق خرید اجناس فروشگاه تا میزان محدودی از کمبود ویتامین بکامند. خرید از فروشگاه که بنجل ترین اجناس را می آورد کار شاقی است و محدودیتهای زیادی دارد. تا کسی از نظر مسئولین خطایی مرتکب شود، از حق خرید محروم می گردد. جالب است بدانید که اکثر مواد مصرفی در اوین را سران بازار که لاچوردی را سرور خود می نامند، تامین می کنند. مثلاً یکی از تجار معروف بازار تهران به نام "مبصری" پودر لباسشویی می دهد، دیگران پارچه و دمپایی و ظرف و مواد غذایی و چیزهای دیگر.

مواخوری و ورزش :

بعضی اتاقها اصلاً اجازه مواخوری ندارند. ساعات مواخوری بقیه نیز محدود است. زندانیان برای این که از فرسودگی خویش جلوگیری کنند و روحیه خود را بالا نگه دارند، در زمانهای مختلف، صبح و ظهر و عصر، به نوبت در اتاق ورزش می کنند. مسئولین زندان به شدت نسبت به

ورزش کردن حساس هستند.

اتاقها تهیه نمی شوند. بعضی اتاقها در طول روز مجازند که در را به اندازه یک دمپایی باز بگذارند، بعضی از اتاقها از این امکان نیز محرومند. باریکه ای نور هم، تنها از پنجره ای که قسمت اعظم آن را پوشانده اند به داخل اتاق وارد می شود.

دستشویی و نظافت :

همه کارهای نظافتی انفرادی و جمعی در سه نوبت بیست دقیقه ای صورت می گیرد. در این مدت کوتاه باید حدود ۴۰ نفر زندانی بتوانند با استفاده از ۶ توالت، ۶ دستشویی و دو بیاسه عدد دوش، ظرف بشویند، توالت بروند، حمام کنند، مسواک بزنند و لباسهایشان را نیز بشویند.

در خارج از نوبت های مقرر به ندرت به افراد اجازه استفاده از توالت را می دهند و زندانیان را مجبور به استفاده از ظرفی می کنند که در داخل اتاقها قرار داده اند.

بهداشت و درمان :

کمتر کسی را می توان در اوین یافت که به دلیل عوارض شکنجه، سوء تغذیه، عوامل روحی و ... بیمار نباشد. اخیراً به طور ظاهری ظرفیت پذیرش بیمار بهداری را افزایش داده اند. هفته ای حد اکثر چهار نفر از هر اتاق می توانند به بهداری مراجعه کنند ولی دست کم دو نفر از این چهار نفر را به بهانه تمارض بدون رسیدگی عودت می دهند.

کتاب و روزنامه

تی از میان کتابهای باب طبع جمهوری اسلامی همه آنها را در اختیار زندانیان نمی گذارند. کتابها از سوی زندانیان تحریم شده اند ولی روزنامه ها خواننده زیادی دارند. مسئولین، روزنامه ها را نیز سانسور می کنند. بعضی یک شماره از یک روزنامه و بعضی حتی از آن توقیف می شود.

نمودند. فشار روحی بر پناهندگان به حدی است که تا کنون دو نفر از ایرانیان دست به خودکشی زده اند. در ۲۱ نوامبر تعدادی از پناهندگان کمپ های مختلف را به کمپ جدیدی منتقل ساختند که سابق بر این آسایشگاه معلولین بوده و توسط شهرداری غیر قابل سکونت تشخیص داده شده بود! پناهندگان را بدون کمترین دلیلی جابجا و یا از کمپ اخراج می کنند. مدتی است که پناهندگان ساکن کمپهاک از امکان فراگیری زبان محروم شده و بلی بخشنامه ای از نوبت نام "تازه واردها" خودداری می کنند.

دولت دانمارک سیاست پراکنده ساختن پناهندگان را در دهات و شهرهای کوچک دنبال کرده و این سیاست در مورد ایرانیان بطور فاعلتری اعمال می گردد. به موازات چنین تضمیناتی، رئیس هیئت قضائی مجلس دانمارک، خواستار تشکیل کمیته ای برای بررسی نحوه خروج و ورود ایرانیان به دانمارک شده است. او هزینه هنگفتی را که ایرانیان برای خروج از کشور و ورود به دانمارک متحمل می شوند را دلیلی بر عدم اصلت پناهندگی آنان دانسته است!

اخیراً بازار تبلیغات در جراند و دیگر وسائل فشارها و توضیقات دولت دانمارک بر پناهندگان و بویژه ایرانیان در ماههای اخیر شدت یافته است. در تاریخ ۱۵ نوامبر، ۱۲۰ تن از پناهندگان را به جزیره کوچکی فرستادند. در این جزیره، قلعه ای بسیار قدیمی را که فاقد امکانات رفاهی لازم است، بعنوان کمپ به پناهندگان واگذار کردند. حتی تماس با ساکنین بومی جزیره، از پناهندگان سلب شده و از آن گذشته، خبرنگار روزنامه پولیتیکن را که به قصد مصاحبه به جزیره آمده بود، برای مدت سه ساعت و نیم بازداشت

فشار بر پناهندگان سیاسی شدت می گیرد اعتراضات گسترش می یابد

قبیل رشد بیکاری کشور به میزان ۵۰۰/۰۰۰ نفر و کاهش سطح خدمات اجتماعی را بگردن پناهندگان انداخته و آنها را مسئول و خامت اقتصادی کشور معرفی کند. از سوی دیگر عده ای از مسئولین دولتی و منتقدین غیر دولتی دست اندر کارند تا قانون جدید خارجیان مصوبه ژانویه ۱۹۸۴ را تغییر داده و حتی فشارهایی بر خارجیانی که سالهای سال در دانمارک زندگی می کنند، نیز اعمال نمایند.

فشارها و توضیقات دولت دانمارک بر پناهندگان و بویژه ایرانیان در ماههای اخیر شدت یافته است. در تاریخ ۱۵ نوامبر، ۱۲۰ تن از پناهندگان را به جزیره کوچکی فرستادند. در این جزیره، قلعه ای بسیار قدیمی را که فاقد امکانات رفاهی لازم است، بعنوان کمپ به پناهندگان واگذار کردند. حتی تماس با ساکنین بومی جزیره، از پناهندگان سلب شده و از آن گذشته، خبرنگار روزنامه پولیتیکن را که به قصد مصاحبه به جزیره آمده بود، برای مدت سه ساعت و نیم بازداشت

در هر اتاقی یک تلویزیون گذشته اند که علاوه بر برنامه های کانال اوین (۱) می توان از برنامه های عادی نیز استفاده کرد. ولی اگر زندانیان مثلاً فیلم سینمایی یک کانال را بر سفرانی کانال دیگر ترجیح دهند، توبیخ می شوند.

نحوه مکاتبه با خانواده

زندانها ممنوع الملاقات حق مکاتبه هم ندارند. اما بقیه - به شرط این که مرتکب "خلافی" نشده باشند - بر حسب ظاهر می توانند با خانواده خود، ماهی یک بار مکاتبه کنند. برای مکاتبه فرم مخصوصی داده می شود که تنها به اندازه ۷ سطر می توان در آن نامه نوشت. جواب نامه نیز باید در پشت همین فرم نوشته شود. پشت و روی این فرم که اندازه واقعی آن ۱۲/۵x۱۸/۵ سانتی متر است، در زیر کلیشه شده است:

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
آدرس	آدرس
شماره تلفن	شماره تلفن
شماره حساب	شماره حساب
شماره پستی	شماره پستی
شماره شناسنامه	شماره شناسنامه
شماره کارت ملی	شماره کارت ملی
شماره پاسپورت	شماره پاسپورت
شماره شناسنامه	شماره شناسنامه
شماره کارت ملی	شماره کارت ملی
شماره پاسپورت	شماره پاسپورت

(ادامه دارد)

ارتباط جمعی علیه پناهندگان رونق دارد. همه روزه مقالاتی درباره "مشکل لاینحل پناهندگان"، "بودجه کمترکن سازمان پناهندگان"، "کنترل بیشتر مرزهای دانمارک" و غیره منتشر می شود. چندی پیش فیلمی از اوضاع ایران به گونه ای شدیداً تحریف شده از تلویزیون دانمارک پخش شد. در این فیلم کمترین اشاره ای به اوضاع سیاسی و اقتصادی جاری مملکت نشده بود. مخالفت شدید ایرانیان بویژه "انجمن ایرانیان در دانمارک" نسبت به نمایش چنین گزارشهایی، در پاره ای از جراید کشور درج شد. اما مقامات بدون توجه به این اعتراضات، اقدام به پخش مصاحبه با یک تاجر فرش فروش طرفدار رژیم، از تلویزیون نمودند. مضمون مصاحبه چنین بود که پناهندگان اصلاً دلیلی برای خروج از ایران ندارند و محرک آنها بیشتر مسائل اقتصادی است.

تمام این تضمینات در شرایطی صورت می گیرد که بودجه سازمان پناهندگان از ۰٫۱ میلیون به ۲۰۰ میلیون کرون افزایش یافته است. بهر حال مخالفت پناهندگان و بویژه اعتراضات "انجمن ایرانیان در دانمارک" کمکان ادامه دارد. این اعتراضات در جراید دانمارک بازتاب می یابد.



کارگران کارخانه سازی باختران در پی اعتصابی دلیرانه انجمن اسلامی را منحل کردند

کارخانه سازی باختران یکی از پنج کارخانه سازی ایران است که از محل کمک های اتحاد شوروی و توسط کارشناسان این کشور راه اندازی شده است. قطعات پیش ساخته این کارخانه دارای قدرت مقاومت در برابر زلزله هایی تا شدت ۹ درجه ریشتر می باشد.

با اینکه مردم کشور ما از کمبود حاد مسکن رنج می برند، این کارخانجات بسیار کمتر از ظرفیت، تولید می کنند. مسئولیت این وضع هم تماما برعهده مقامات دولتی و مسئولین صنایع کشور است که با خرابکاریهای عمدی و یا سوء مدیریت و درپیش گرفتن لگام گسیخته ترین روشهای کارگر ستیزانه، روند تولید را در صنایع کشور و از جمله در صنایع خانه سازی، مختل کرده اند.

در برابر اجحافات مدیران دولتی، کارگران کارخانه سازی باختران، در تمام مدت این چند سال اخیر، مبارزات پیگیری را پیش برده اند. خواستهای مبرم کارگران، افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل، انحلال انجمن اسلامی و عزل مدیر عامل مرتجع کارخانه بود. پیگیری کارگران در مبارزه باعث گردید که حدود چهارماه قبل مدیر عامل برکنار شود. با وجود این پیروزی، مبارزه کارگران برای دستیابی به دیگر مطالبات ادامه یافت و بالاخره موقوف شدند، مسئولین را به انحلال انجمن اسلامی وادارند. انحلال این انجمن که به مثابه خیرچین ارگانهای امنیتی و انتظامی عمل می کرد، موجی از شادی در میان کارگران و کارمندان برپا کرد.

در پی این پیروزی کارگران، همه مقامات و محافل مرتجع استان به دست و پا افتاده و تشیقاتی را برای غلبه بر کارگران آغاز نمودند. آیت الله زرنجی، انجمن حجّتیّه، باند های سیاه، سپاه پاسداران و... به مقابله با کارگران برخاستند. آنها علاوه بر عزل کسائی از سرپرستی - که خواسته های برخی کارگران را تایید می کردند - عده ای از کارگران را دستگیر و زندانی کردند.

کارگران در واکنش به این اقدام، دست از کار کشیده و در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران هم چنین نمایندگان خود را برای طرح و پیگیری شکایات به نزد مقامات محلی از قبیل استاندار و امام جمعه فرستادند. مسئولین بی آنکه به این شکایات توجهی نشان دهند، دستور زندانی کردن نمایندگان کارگران را صادر نمودند. در پی آن کارگران عزم خود را برای ادامه مبارزه تا پیروزی جزم کرده و با یکپارچگی اعتصاب را پی گرفتند. مسئولین با این گمان که خواهند توانست با سرکوب، کارگران را به تسلیم وادار سازند، واحدهای سپاه پاسداران را به کارخانه اعزام کردند. نفرات سپاه پاسداران پس از

ورود به کارخانه به جمع کارگران متحصن حمله برده و وحشیانه به ضرب و شتم آنان پرداختند. کارگران نیز در برابر این سرکوبگری سبعانه، به مقاومت برخاسته و درگیری سختی ایجاد گردید که در نتیجه آن چندین نفر از طرفین مجروح شدند. مقاومت دسته جمعی کارگران سبب گردید که تهاجم سرکوبگرانه پاسداران به شکست کشیده شود. در برابر پایداری کارگران، سپاه پاسداران ناگزیر به عقب نشینی از کارخانه شد.

کارگران در پی این پیروزی با استواری هرچه بیشتر برخواست خود مبنی بر انحلال انجمن اسلامی، آزادی زندانیان و بازگشت به کار مدیران برکنار شده پای فشردند و بالاخره پس از چند روز توانستند به این خواسته ها دست یافته از شر انجمن اسلامی منغور رهایی یابند.

مجازات جمعی روستائیان به خاطر عدم شرکت در انتخابات

دهکده برازین از توابع شهرستان هریس در استان آذربایجان است. در این روستا سدی خاکی وجود دارد که بخشی از آب مورد نیاز کشتزارهای روستا را تامین می کند. هر ساله در موعد معینی، دهقانان از آب این سد بهره برداری می کردند. امسال هنگامی که در آغاز تابستان، روستائیان برای بهره برداری از آب پشت این سد اقدام کردند، با مخالفت و منع اکید مسئولین محلی روبرو گردیدند. روستائیان که نمی توانستند مزایای محصولات را بدون آبیاری به امان خدا رها کنند، تصمیم گرفتند بهره ریزی که شده از آب سد بهره برداری کنند. بهمین منظور به طور دسته جمعی به محل سد رفتند. در برابر آنان مقامات محلی که از پیش خود را آماده کرده بودند به مقابله برخاستند. امام جمعه، بخشدار و رئیس دادگاه هریس، در معیت نفرات سپاه پاسداران و ژاندارمری پیش از دهقانان، در محل سد حاضر شده بودند. آنها با نشان دادن تفنگهای پاسداران و ژاندارم ها به دهقانان اخطار کردند که از نزدیک شدن به سد خودداری کنند. البته آنها هیچگونه دلیلی هم به عنوان مبنای این زورگویی غیرقابل تحمل ارائه نکردند اما روستائیان برازین می دانستند که انگیزه مقامات محلی در اتخاذ این تصمیم عجیب، آن است که در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، تنها لایلی از ساکنین این روستا شرکت نموده بودند و غالب این شرکت کنندگان نیز آرا باطله در صندوق ریخته بودند. اکنون مقامات منطقه بزآن بودند تا با خشکاندن کشتزارهای روستائیان، از آنان بخاطر عدم شرکت در انتخابات انتقام بگیرند.

علیرغم تهدیدات مسئولین و برق سر نیزه نفرات ارگانهای سرکوبنده دهقانان به منظور بازگشایی کانالهای آبیاری، به سوی سد پیش رفتند. امام جمعه به پاسداران و ژاندارمها فرمان حمله داد و به آنها هجوم آورده و وحشیانه دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس قریب به ۵۰ تن از آنان را دستگیر و به مقر سپاه پاسداران هریس منتقل کردند. در این محل نیز یکبار دیگر به جان دستگیر شدگان افتاده و چنان آنان را شکنجه کردند که همه به شدت مضروب و مجروح شدند. پس از این اعمال سبعانه، حدود چهل تن از

روستائیان بازداشت شده را به زندان منتقل ساختند. زندانیان بیش از یک ماه یعنی تا پایان فصل برداشت محصول، در زندان باقی ماندند. پس از آن در پی اقدامات و شکایات دیگر روستائیان، به قید ضمانت آزاد شدند.

مصادره املاک روستائیان فئودال حرام است!

در اردبیل از زمان های دور، دو فرقه مذهبی وجود داشتند که حیدری و نعمتی نامیده می شدند. هر از چندگاه به تحریک سرکردگان این دو فرقه، زد و خورد های سنگینی میان پیروان آنها رخ می داد. این جنگها که در جهت امیال مرتجعین دامن زده می شد، چنان بی معنی بود که در مثل جنگ حیدری - نعمتی مترادف با پیهودگی شده است.

سرگردگی فرقه حیدری در دست خانواده انواری قرارداد شد که با در اختیار داشتن هزاران هکتار زمین و نیز تولیت مسجد جامع شهر از قدرت و نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند. آنها مسئول مستقیم کشتگان بسیاری هستند که بر اثر این جنگها به بار آمده بود. تا چند سال پیش سیدتقی انواری ریاست فرقه حیدری را برعهده داشت که به "عصا به دست شاه" مشهور بود. گویا شاهان دودمان منغور پهلوی به او عصا هدیه کرده بودند. این شخص از مهره های برجسته رژیم پیشین در منطقه به شمار می آمد. پس از مرگش مقام و موقعیت مذهبی و سیاسی او به ارث به فرزندش، سید فایق انواری رسید. رهبر تازه فرقه حیدری با اینکه بسیار جوان بود و معمم هم نبود تولیت مسجد جامع شهر را برعهده گرفت و املاک وسیعی را در اختیار گرفت. اما چندان نگذاشته بود که انقلاب بر غارتگریهای خانواده انواری لگام زد. دهقانان اراضی آنان را مصادره کرده و خود به زیر کشت بردند.

در پی خیانت سردمداران جمهوری اسلامی به انقلاب، اقدامات سید فایق و دیگر اعضا خانواده انواری برای تصاحب دوباره اموال و املاک سابق آغاز شد. اخیرا آنها توانستند سه هزار هکتار از این اراضی را در روستای خشکه رود اردبیل باردیگر به چنگ آورند. آنها که از حمایت موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، صانعی دادستان کل کشور، مرجع امام جمعه اردبیل و اصلائی حاکم شرع برخوردار بودند، دهقانان مقاوم را به زندان انداختند. به حکم دادگاه، این دهقانان به یک تاسه سال زندان محکوم شدند. به دهقانان گفته شده بود که خانواده انواری روحانی و اولاد پیامبرند، مصادره املاک آنها حرام و خلاف شرع است!

آینده "نظام پزشکی" چه خواهد شد؟

گفته می شود رژیم جمهوری اسلامی در پی اقدامات قبلی بر آن شده است تا تشکیلات نظام پزشکی را منحل کرده و به جای آن چیزی به نام "نظام پزشکی اسلامی" را دایر کند. بنا به این طرح، اساسنامه تازه ای برای این واحد صنفی پزشکان در نظر گرفته شده است. دکتر ولایتی - وزیر امور خارجه - را برای ریاست هیئت مدیره تشکیلات جدید در نظر گرفته اند. در همین رابطه انتخابات هیئت مدیره نظام پزشکی که بنا بود در چهاردهم دی ماه صورت پذیرد به تعویق افتاده است.

پشتیبانی گسترده کارگران و نیروهای مترقی جهان از مردم ایران ادامه دارد

چهره رسوای جمهوری اسلامی را هیچ نقابی نمی‌تواند بپوشاند. فعالیت‌های افشاگرانه نیروهای مردمی و مترقی کشور مادر سراسر جهان چنان دستاوردهای گرانقدری به بار آورده است که با وجود تشبیهات مذبحخانه مرتجعین حاکم بر میهن ما و تبلیغات پرخرج نمایندگی‌های آن در خارج از کشور و علیرغم اینکه رسانه‌های امپریالیستی وسیعا به مخدوش ساختن حقایق امور پیرامون کشور، مشغولند، همبستگی نیروهای مترقی سراسر جهان از مبارزات مردم ایران هر روز بیشتر از پیش دامنه می‌گیرد.

در این میان فعالیت‌های پیکیر و افشاگرانه فدائیان خلق سهم بسیار برجسته‌ای در بسیج افکار عمومی جهان علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند. در صفحات نشریات "اکثریت" همواره گوشه‌هایی از اقدامات تبلیغی و افشاگرانه فدائیان خلق را در کشورهای اروپا، آسیا و آمریکا و همبستگی شورانگیز نیروهای مترقی و افکار عمومی جهان را با مبارزات مردم میهن ما منعکس می‌گردد. ادامه انتشار گزارش‌هایی از همبستگی بین‌المللی با مردم ایران، را در این شماره نیز پی می‌گیریم.

پشتیبانی بی دریغ کارگران جهان از مبارزات مردم ایران

کانادا

"کمیته برگزاری جشن اول ماه مه"، یک کمیته دائمی و متشکل از تعداد زیادی از سندیکاها و سازمان‌های کارگری کانادا است. در ادامه انتشار جهانی اخبار اعتصاب ذوب آهن اصفهان، اخیرا این کمیته با انتشار یک فراخوان و یک بولتن اطلاعاتی درباره اعتصاب این مجتمع، اعلام موضع پشتیبانی نموده است. در فراخوان این کمیته ضمن اشاره به وضعیت کارگران این مجتمع و افشای سیاست‌های سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی، چنین آمده است: "ما بولتن اطلاعاتی ضمیمه را برای همه سازمانهای مختلف کارگری و انسان دوست ارسال داشته، به امید اینکه با جلب حمایت مردم کانادا از کارگران ایران، به وظیفه انترناسیونالیستی خود، پاسخ داده باشیم."

در بولتن اطلاعاتی کمیته، تصویری از وضعیت کارگران ایران و عراق در سالهای پس از جنگ ارائه شده و به سرکوب خشن مبارزات کارگری از سوی مقامات جمهوری اسلامی اشاره می‌شود. بولتن، وضع اقتصادی و نحوه زندگی کارگران در ایران را با تاکید بر تورم لبنان گسیخته، قدرت خرید کارگران، کار زنان و کودکان و تشکلهای کارگری مورد مدافعه قرار می‌دهد.

بولتن کمیته مذکور با افشای حاکمیت ترور و اختناق در ایران، و ضمن انعکاس اخبار مربوط به دستگیری و اعدام بسیاری از فعالین کارگری، از همه سازمانهای کارگری و نیروهای مترقی درخواست می‌نماید تا با ارسال تلگرام و نامه به مقامات دولتی ایران و با مراجعه مستقیم به سفارت ایران در کانادا، و همچنین در تماس با تلویزیون و رادیو و روزنامه‌ها، مخالفت و اعتراضات خود را نسبت به این سیاست‌های ضد انسانی اعلام دارند. بولتن در انتها، تاکید می‌کند که این حق مردم است که از حقایق مطلع شوند، خواه مردم ایران و خواه مردم جهان!

ایتالیا

"کنفدراسیون عمومی زحمتکشان ایتالیا" بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا است. از سوی رهبری این کنفدراسیون در منطقه ۵، که ده شهر ایتالیا

ایتالیا

در ادامه پشتیبانی جهانی از فراخوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه علیه ددمنشی‌های حکام جمهوری اسلامی، که گوشه‌هایی از آن در شماره‌های گذشته نشریه اکثریت درج شد، در شهر تورینوی ایتالیا، بیش از ۱۶ حزب و سازمان کمونیستی و کارگری و کمیته‌های مترقی و صلح دوست، با امضاء متن فراخوان کمیته مرکزی سازمان، حمایت گسترده خود را از مبارزات خلق ایران علیه ارتجاع حاکم اعلام داشته و نسبت به حاکمیت ترور و اختناق در ایران ابراز انزجار نمودند. برخی از این احزاب و سازمانها عبارتند از:

- ۱- حزب کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۲- کمیسیون زنان حزب کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۳- فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا-تورینو
- ۴- حزب کمونیست یونان-تورینو
- ۵- حزب کمونیست شیلی-تورینو
- ۶- حزب کمونیست لبنان-تورینو
- ۷- حزب متحده کارگران ایتالیا-تورینو
- ۸- دمکراسی پرولتاریا-تورینو
- ۹- هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین-تورینو
- ۱۰- سندیکای FILM-تورینو
- ۱۱- سندیکای UIL-تورینو
- ۱۲- سندیکای CISL-تورینو
- ۱۳- انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا-تورینو
- ۱۴- انجمن مسیحی کارگران ایتالیا-تورینو
- ۱۵- کمیته صلح و خلع سلاح استان پیه مونته
- ۱۶- انجمن همبستگی ایتالیا-نیکاراگوئه-تورینو

انعکاس مبارزات مردم ایران در مطبوعات جهان

سوئیس

روزنامه "فورورس" ("به پیش") ارکان حزب کار سوئیس گزارش مبسوطی در مورد اعتصاب ذوب آهن اصفهان درج کرده است. این نشریه، به ابراز همبستگی کارگران سایر واحدهای تولیدی ایران با کارگران ذوب آهن اصفهان اشاره دارد.

لوکزامبورگ

اعتصاب بزرگ اصفهان طی مقاله‌ای مفصل در "تساتیوتک قوم لتزبورگر فولک"، ارکان حزب کمونیست لوکزامبورگ، منعکس گردیده است. این نشریه می‌نویسد علیرغم کوشش گسترده رژیم برای جلوگیری از "درز کردن" اخبار مربوط به اعتصاب اصفهان به بیرون، این رویداد در داخل و خارج ایران انعکاس وسیعی یافت و ابراز همبستگی گروههای وسیعی از کارگران، احزاب و سازمانهای مترقی، سندیکاها و سایر محافل اجتماعی را برانگیخت.

کانادا

"کانادا تریبونیون" ارکان حزب کمونیست کانادا در شماره ۲۱ ژانویه خود خیر مربوط به اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان را درج کرده و علت آنرا "اعتراض به واگذاری بخش‌های سود آور کارخانه به بخش خصوصی" بیان می‌دارد. ارکان

را در بر می‌گیرد، اعلامیه‌ای انتشار یافت که طی آن تمامی سازمانهای سندیکایی رشته‌های مختلف تولیدی زیر پوشش، در جهت دفاع و پشتیبانی همه جانبه از زندانیان سیاسی، و مبارزات مردم ایران، فراخوانده شدند. رفیق "گت تی" ضمن تاکید بر وتالیف انترناسیونالیستی، چنین اظهار نمود: "در سالی که گذشت چه از سوی رهبری و چه بدنه سازمان، در حمایت از مبارزه خلقهای شیلی، نیکاراگوئه و ایران، موضع کبیرهای متعددی شد. سال ۱۹۸۵، باید با پیگیری بیشتری به مسایل این کشورها برخورد شود. مسئله‌ای که روی آن تاکید داریم، همبستگی با زحمتکشان ایرانی در همین آغاز سال است. در متن فراخوان "کنفدراسیون عمومی زحمتکشان ایتالیا" درباره اوضاع کنونی ایران چنین آمده است: "در این کشوریکی از هولناک‌ترین تراژدی‌های دوران معاصر در حال وقوع است؛ هزاران مبارز سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی گرفتارند، بسیاری از آنها شدیداً شکنجه شده و عده بیشماری هم اعدام شده‌اند. آزادی فردی در این کشور بنحو خشنی سرکوب شده و جنگ ایران و عراق بدل به یک فاجعه عظیم و دهشتناک شده است."

در ادامه فراخوان، اعتصاب باشکوه کارگران ذوب آهن اصفهان، انعکاس یافته است و کنفدراسیون فوق‌الذکر، از همه نیروهای مترقی درخواست نموده تا با ارسال تلگرام و مراجعت به سفارت جمهوری اسلامی در رم، از مبارزات حق طلبانه زحمتکشان ایران پشتیبانی نموده و خواهان قطع سریع سرکوب و آزادی زندانیان سیاسی شوند.

پاکستان

به تاریخ ۲۰ دسامبر از طرف اتحادیه کارگران و کارمندان پالایشگاه ملی (پاکستان) بیانیه‌ای در حمایت از کارگران ذوب آهن اصفهان و محکوم کردن سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی صادر شد. در قسمتی از این بیانیه آمده است: "کارگران پالایشگاه ملی خشم و انزجار عمیق خود را نسبت به وضعیت کنونی حاکم در ذوب آهن اصفهان ابراز می‌دارند. کارگران ذوب آهن اصفهان برای کسب حق ابتدایی خود، "حق اشتغال"، که از سوی مدیریت ذوب آهن و با پشتیبانی رژیم جمهوری به خطر افتاده است در اعتصاب بسر می‌برند."

حزب کمونیست کانادا در ادامه خبر می نویسد: «همچنین مقاومت در مقابل ادامه جنگ ۴ ساله ایران و عراق که تاکنون بیش از ۵۰۰ هزار نفر قربانی آن شده اند در حال افزایش است. اعتصابات، کم کاری ها و مقاومت در مقابل پلیس با آن نیز هر روز افزایش می یابد. حکومت جمهوری اسلامی روز بروز فشار را افزایش داده و زندان ها را بیش از پیش از نیروهای مترقی که با سیاست ادامه جنگ مخالفت می کنند انباشته می سازد.»

دانمارک

در تاریخ ۱۱ ژانویه، مصاحبه ای از طرف ارکان حزب کمونیست دانمارک با دو تن از رفقای توده ای و فدایی های کشور صورت گرفت. در این مصاحبه رفقا اوضاع کنونی ایران را تشریح کرده و از جنبه هایی که اینک در کشور رخ می دهند سخن گفتند. رفقا ضمن گزارش اعتصاب کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن و دیگر حرکات کارگری کشور، خبر شهادت قهرمانانه سه رفیق توده ای و فدایی، رفقا غلامحسین فتاعتی، مرتضی میثمی و منصور پورجم را که تا آخرین لحظات حیات به آرمان های انقلابی خود وفادار مانده بودند، به اطلاع خبرنگار این روزنامه رساندند. گزارش این مصاحبه افشاگرانه همراه با زندگی نامه و عکس رفقای شهیدمان در شماره مورخه ۱۷ ژانویه، روزنامه (سرزمین مردم) به نحوی برجسته انعکاس یافت، که مایه خشی از این گزارش را از روزنامه فوق کلیشه می کنیم.

در این پیشگفتار آمده است به آذین نیز چون بسیاری دیگر از نویسندگان، شعرا و مترجمان انقلابی ایران، مانند احسان طبری، ابوتراب باقرزاده و... در سپاه جلال های جمهوری اسلامی تحت شدیدترین شکنجه های قرون وسطایی قرار دارد.

پولین غربی

در شماره چهارم ژانویه ۱۹۸۵ روزنامه "ارهاپت"، ارکان حزب سوسیالیست متحد برلن غربی، زیر عنوان "اعتصاب اصفهان را نتوانستند خفه کنند" آمده است: "دولت ایران جنگ با عراق را بهانه قرار داده است تا سرکوب، به ویژه در مورد حقوق کارگری را تشدید کند. این امر اخیرا طی دهباری میان دبیرخانه اتحادیه سندیکایی جهانی و کمیته ارتباط زحمتکشان ایران در پراگ مورد اشاره قرار گرفت." این روزنامه سپس به شرح جریان اعتصاب بزرگ کارکنان ذوب آهن اصفهان پرداخته و می نویسد علیرغم اقدامات سرکوبگرانه و تهدید آمیز ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی، اعتصاب ادامه یافت و حکومت نتوانست آن را خفه کند.

آتریش

گزارش نمایش عظیم همبستگی و اتحاد با کارگران ذوب آهن بانام "مشعل ذوب آهن اصفهان" در روزنامه "فولکس اشتیمه" ارکان حزب کمونیست اتریش چاپ شده است. این روزنامه به خواستهای کارگران مبنی بر دفاع از موجودیت مجتمع ذوب آهن، تامین امنیت شغلی و... اشاره کرده است.

اسپانیا

در اثر تلاش پرشور و پرثمر رفقای فدایی و توده ای برای بازتاب هر چه وسیع تر خبر اعتصاب کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن اصفهان، در مقاله ای در این خصوص پرداخت. روزنامه فوق الذکر ضمن برشمردن علل، اهداف و نتایج این اعتصاب، در باب حمایت های پرشور دیگر کارکنان صنایع ایران از این حرکت وسیع کارگری چنین گزارش می دهد: "اعتصاب گسترده کارگران مجتمع صنعتی ذوب آهن، از همان بدو حرکت، بطور فعال از حمایت دیگر کارگران واحدهای تولیدی ایران برخوردار گردید." مقاله در ادامه خود ضمن اشاره به سیاست های کارگر ستیزانه جمهوری اسلامی و اینکه تشکل های کارگری در ایران از کمترین آزادی برخوردار نبوده و بسیاری از این تشکل ها غیر قانونی اعلام شده اند، شبه ای از وضعیت زندگی کارگران ایران را ارائه کرد.

LAND OG FOLK Torsdag 17. januar 1985

Vilkårlige dødsdom er dagligdag i Iran

FORLEJNING

Overleveren af de medlemmer af det iranske Tudak-erte og Fedayans (Hajjari) medlemmer er nu blevet sendt et af de aller dømmeste straffelag.

Abdolkarim Ghahabehi (Khanali) (Shahpari), medlem af Tudak, var en kendt leder på Bakranvalvstøtten det sydøstlige Iran. Andre kampen med stabs og ideer med Khamenei-tyranen vedrørende har han været på grund af sin afgjorte rolle som studenterleder og det senere tilsluttede i Teheran. Han er i det berøgtede Evin-fængsel og efter 8 måneder har han konvalesceret.

Arifolgalen

Arifolgalen fra Fedayans (Shahpari) er medlem af det iranske Tudak-erte og er en af de iranske studenterledere, der har været i den iranske kamp mod den iranske tyranni. Han er i det berøgtede Evin-fængsel og efter 8 måneder har han konvalesceret.




آلمان فدرال

هفته نامه "دویچه فولکس تسایتونگ" - دی تات "که از ادغام نشریه پراساپه "دویچه فولکس تسایتونگ" و هفته نامه ضد فاشیستی "دی تات" ایجاد شده است، اخیرا داستان کوتاه "علیمراد" نوشته م. ۱۰ به آذین را ترجمه و کوتاه شده ای از آن را در یک صفحه چاپ کرده است. این هفته نامه، همچنین در پیشگفتاری به معنی به آذین به مثابه چهره برجسته ادبیات مترقی معاصر ایران پرداخته است.

در ایران به وقوع می پیوندد و انعکاس و بازتاب جهانی آن، جمهوری اسلامی را به خوف و خشم دچار ساخته است. رژیم که خود را در برابر این همه اعتراضات جهانی، رسوا می بیند و از سوی دیگر توان مانع شدن از انعکاس اخبار را ندارد، به هر وسیله ای تمسک می جوید. اخیرا تراکت های مبتذلی در خارج از کشور علیه فدائیان و توده ای ها و مجاهدین از سوی حکومت منتشر شده است. این تراکت ها آذینه تمام نمای ابتدال اندیشه کسانی است که با نیت به این اقدامات صرفا، خشم خود را به نمایش می گذارند. این گونه اقدامات نشانه و پیامد پیروزمندی تبلیغات افشاگرانه فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی می باشد.

تظاهرات علیه رژیم ج.ا. در کپنهاگ

در تاریخ ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) به دعوت هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دانمارک، تظاهرات باشکوهی مبنی بر اعتراض نسبت به شرایط ترور و اختناق و باخواست آزادی زندانیان سیاسی در کپنهاگ برگزار شد.

تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردهایی از مرکز اصلی شهر به طرف سرکنسولگری جمهوری اسلامی در کپنهاگ حرکت کردند. این تظاهرات مورد استقبال مردم قرار گرفته و با همراهی و پشتیبانی آنان مواجه شد. در طول مسیر، شعارهایی به دو زبان فارسی و دانمارکی مبنی بر خواست آزادی زندانیان سیاسی، قطع فوری و بلادرنگ جنگ ایران و عراق، از سوی تظاهر کنندگان داده شد. رفقای فدایی همچنین اقدام به بخش متن ترجمه شده اعلامیه های کمیته مرکزی سازمان نموده و اعلامیه های توضیحی در مورد اوضاع کنونی ایران و تاریخچه مبارزات حزب توده ایران و سازمان رادریان مردم توزیع کردند.

Første sejr over Ninn-Hansen

Udvalgte

Indenfor kort tid har Ninn-Hansen været i den iranske kamp mod den iranske tyranni. Han er i det berøgtede Evin-fængsel og efter 8 måneder har han konvalesceret.



Arifolgalen fra Fedayans (Shahpari) er medlem af det iranske Tudak-erte og er en af de iranske studenterledere, der har været i den iranske kamp mod den iranske tyranni. Han er i det berøgtede Evin-fængsel og efter 8 måneder har han konvalesceret.

تظاهرات ۱۴ ژانویه در نشریات دانمارکی بازتاب یافت

حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست ترکیه (دانمارک) و کمیته دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران - دانمارک، با شرکت فعال خود در این تظاهرات پر شکوه، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران و مبارزات مردم ایران علیه ارتجاع کشور، اعلام داشتند. تظاهرات با صدور قطعنامه ای در میان استقبال عموم، با موفقیت تمام خاتمه یافت.

در سالگرد شهادت ارانی، خاطره همه توده‌ایهای شهید ویاد همه رزمندگان دربند را گرامی می‌داریم



بهمن را یکی پس از دیگری از چنگ مردم بدر آوردند. حزب توده را مانع بزرگ خود تشخیص دادند. یورش به حزب با همان اهداف و بهانه‌های "سابق" به وقوع پیوست. حال آنکه علت واقعی یورش، خوف عظیم خائنین جمهوری اسلامی از حزب طبقه کارگر بود. بار دیگر حزب غیرقانونی اعلام شد. در یورش‌های بعدی، از جمله یورش اردیبهشت ماه، بسیاری از رهبران و فعالین حزب، دستگیر شکنجه و روانه فراموشخانه‌ها شدند. طی محاکمات فرمایشی، توده‌ای‌ها را به حبس‌های طولانی محکوم کرده، ده تن از افسران و اعضای حزب به جوخه اعدام سپرده شدند و تعدادی از رفقا را زیر شکنجه‌های وحشیانه، به شهادت رساندند. واقعیتی است که هرچه بیشتر به حزب یورش بیاورند و بتازند، به معنای آن است که بیشتر می‌ترسند و در خوفند. این خوف بدان حد است که آیت الله خمینی خطاب به سران جمهوری اسلامی اظهار کرده بود: "این حزب برای یکسال بعد و پنجاه سال بعد نقشه می‌کشد."

اسلاف از آرزوی شوم نابودی حزب طرفی نیستند، اخلاف هم نیندند!

مروچ عالیقدر آیین مارکسیستی - لنینیستی و سازمانده خستگی ناپذیر جنبش کمونیستی بدست دژخیمان رضاشاه در بیمارستان زندان مرکزی به شهادت رسید. کینه‌توزی رضاخان نسبت به رفیق ارانی، محصول ۲۷ سال زندگی سرشار از رزم و پیکار این رهرو ثابت قدم طبقه‌کارگر، علیه استبداد و بخاطر استقلال و آزادی ایران و بیروزی مردم بود.

محمدرضاشاه چون پدر و بواسطه مامیت ضد خلقی خود، با فرزند ان ارانی که در حزب توده ایران متحد شده بودند به عداوت برخاست. در بهمن ۱۳۲۷، به بهانه سوقصد به شاه، بنا به اراده امپریالیسم و ارتجاع حزب توده ایران غیرقانونی اعلام شد. نشریات حزب را توقیف کردند، رفقای حزبی را مورد تعقیب و پیکرد قرار داده و چندی بعد سرکوب همه جانبه‌ای سازمان داده شد. نگهبانان سرمایه، دگر بار ریختند، بستند، گرفتند و به شهادت رساندند. اما حزب نابود نشد. دشمنان حزب مردند و حزب ماند.

در ۱۷ بهمن دو سال پیش، سران خائن جمهوری اسلامی ناچاو نمرده به حزب توده یورش بردند، بسیاری از رهبران و فعالین حزبی را دستگیر و زندانی کردند. در آن زمان، مرتجعین جمهوری اسلامی که بر آن بودند تا در چارچوب خیانت به توده‌ها، در اثر حمایت بی‌کران از بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری بتازند و دستاوردهای انقلاب

مبارزه علیه کمونیستها، این انقلابیون صدیقی که قلبشان تنها برای رهایی و بیروزی مردم می‌تپد، فصل مشترک همه نیروهای مرتجع، وابسته و واپسگراست. تاریخ معاصر ایران، مملو از کینه‌توزی‌ها، مملو از خصومت‌چون آمیز نیروهای وابسته و حامیان بساط‌زور و ظلم علیه کمونیستهاست. دشمنان مردم در تب نابردی جنبش کمونیستی، از دیرباز می‌سوزند. در طول تاریخ معاصر، بسیار پیش آمد که ریختند، بستند، گرفتند، منحل اعلام کردند و به شهادت رساندند که نابود کنند، اما خود نابود شدند و جنبش کمونیستی برجای ماند. رضاشاه هر آنچه ممکن بود، بکار زد. محمدرضاشاه نیز که در تب هیستریک کمونیسم ستیزی می‌سوخت، تمام امکانات و قدرت خود را بکار انداخت، هیچ کدام طرفی نیستند. امروز سران خائن جمهوری اسلامی تلاش دارند آزموده را دگر بار بیازمایند. نتیجه از پیش روشن است. جنبش کمونیستی بواسطه پیوندش با حکم تاریخ و منافع توده‌ها، به گونه‌ای است که هر چه بر آن بکوبند و بتازند در پایان محکم‌تر و مقاوم‌تر، متحدتر و استوارتر برمی‌خیزد و این همان چیزی است که مرتجعین از درک آن عاجزند و از اینرو همواره افسانه نابودی حزب توده با آرزوهای تخیلی آنها پیوند می‌خورد.

۴۵ سال پیش در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، دکتر تقی ارانی مبارز خستگی ناپذیر راه رهایی زحمتکشان،

از زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورجو

بقیه از صفحه آخر

انقلابی مردم در سال ۵۷ رفیق از زندان آزاد شد. وی بلافاصله به آبادان رفت و با تشکیل محافلی از کارگران پیشرو به فعالیت انقلابی در میان کارگران و شرکت فعال در مبارزه توده‌ای پرداخته، با همه توان خود به نشر و تبلیغ اعلامیه‌ها، مواضع و سیاستهای سازمان اقدام نمود.

بدنبال پیروزی قیام شکوهمند مردم، رفیق منصور در برپایی ستاد آبادان و در فعالیتهای مختلف آن، به‌ویژه کمیته کارگری نقش بسیار موثر داشت. رفیق شبانه روز در تلاش بود. اینجا و آنجا در میان کارگران و توده مردم، دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش حاضر بود. او در شکل‌گیری سندیکای کارگران پروژه‌ای آبادان (که با ۱۴ هزار عضو، خواست و نیروی عظیم و شورانگیز کارگران را در برپایی شکل کارگری متجلی ساخت) به گونه‌ای بسیار فعال نقش داشته و در کار جدی تهیه و تنظیم اسانامه این سندیکا کارگران پیشرو را یاری می‌داد. در این فاصله وی همچنان مسئولیت سازماندهی کارگران تعدادی از واحدهای پالایشگاه و هدایت حرکات کارگری در این واحدها را بر عهده داشت.

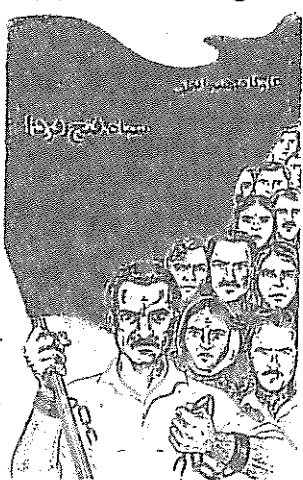
رفیق در جریان توطئه هجوم به ستاد سازمان در آبادان دستگیر شد و پس از مدت کوتاهی بازداشت، در حالیکه بخشی از وثایف خویش را در آبادان کماکان دنبال می‌کرد، با مسئولیت جدید سازمانی

فعالیت خود را در اهواز آغاز نمود. در اینجا نیز منصور با عشق و شوری تحصین انگیز فعالیت در واحدهای صنعتی و کار در میان توده‌ها را به پیش می‌برد. رفیق را بخاطر شخصیت، اخلاق انقلابی و فروتنی همیشگی اش همه دوست داشتند. او با شایستگی بسیار در سال ۵۹ به عضویت کمیته ایالتی خوزستان درآمد. با انتقال به تهران در سال ۶۰ رفیق منصور در کمیته ایالتی تهران جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) مسئولیت یافت و تجارب غنی خویش را در کار توده‌ای و کار میان توده جوانان با موفقیت بکار گرفت. دژخیمان جمهوری اسلامی یک سال پیش در اتوبان کرج رفیق را شناخته و دستگیر می‌کنند. او را بلافاصله به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها می‌کشند. اما دژخیمان با همه سفاکی نتوانستند منصور را به زانو در آورند. آنان سرانجام ددمشانه و در زیر شکنجه‌های وحشیانه رفیق منصور را به شهادت رساندند و بدین ترتیب عمال جنایتکار ارتجاع و سرمایه‌داری یکی دیگر از فرزندان ایثارگر خلق را از میان ما ربوده و ددمشانه به خاک و خون کشیدند. اما ایمان شورانگیز رفیق منصور به حقیقت و پیروزمندی آرمانهای والای کمونیستی، سخت‌کوشی، فدکاری و شکیبایی وی در مبارزه انقلابی و شهادت قهرمانانه اش در یاد همه هم‌زمانش جاودان مانده و همواره سرمشق خواهد بود.

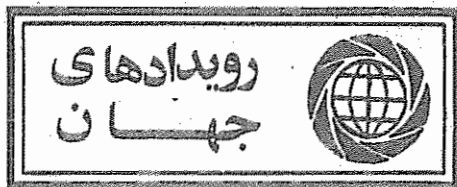
پیرره‌رو راه او جاودان ییاد او

(به نقل از "کار" شماره ۱۲)

سپاه فتح فردانوار جدید کارگاه هنر



سپاه فتح فردا • ایران من • بر فراز قله‌ها
سپید، بلبل، گلی در خون • خورشید راه • یاد بود



مذاکرات خلع سلاح ۱۲ مارس آغاز خواهد شد

اتحاد شوروی و آمریکا توافق کردند که در دوازدهم مارس، در ژنو مذاکرات مربوط به تسلیحات هسته‌ای و کیهانی را آغاز کنند. خبر این توافق بطور همزمان در مسکو و واشنگتن اعلام شد. ریاست هیات نمایندگان شوروی بر عهده سفیر ویکتور کارپف، و ریاست هیات نمایندگان آمریکا بر عهده ماکس کمپلمان است.

ولادیمیر لومینکو سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی، در یک کنفرانس مطبوعاتی کوتاه مدت در مسکو که برای روزنامه نگاران شوروی و خارجی ترتیب داده شده بود اظهار داشت، هیات نمایندگان شوروی، توافقی درباره موضوع هدفهای مذاکرات را که در دیدار اخیر آندره گرومیکو و جرج شولتز وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا حاصل شده بود، ملاحظه عمل قرار خواهد داد. لازم به یادآوری است، توافق مذکور پیش بینی می‌کند که بررسی و حل مجموعه مسائل مربوط به تسلیحات کیهانی هسته‌ای در ارتباط با هم انجام شود. لومینکو گفت اتحاد شوروی خواهان آن است که مذاکرات، جدی و سازنده، و برخوردار به آنها، مسئولانه باشد، تا کسی تلاش نکند با نقض اصول برابری و امنیت یکسان طرفین، به برتری دست یابد.

سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی، ضمن پاسخ به پرسشهای خبرنگاران، سخنان آندره گرومیکو را یادآوری کرد که چندی پیش گفته بود ادامه استقرار موشکهای هسته‌ای میان برد آمریکا در اروپا، اساس مذاکرات ژنو را به زیر علامت سؤال خواهد برد. لومینکو خاطر نشان کرد که هدف ادعاهای آمریکا مبنی بر "دفاعی" بودن سلاحهای کیهانی، همراه کردن اذهان عمومی جهان است. وی افزود این اسلحه، تهاجمی است و کل این نقشه، تجاوزگری آشکار است.

همچنین وادیم زاکلادین رئیس دایره بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی یک برنامه تلویزیونی در مسکو اظهار داشت سلاحهای فضایی دارای خصیلت تهاجمی است. وی گفت چنین سیستمی از سلاحهای کیهانی، با هدف امکان پذیر ساختن ضربه اول علیه اتحاد شوروی، تولید و استقرار می‌یابد. زاکلادین افزود آمریکا، دست به ساختن سلاحهای فضایی زده است تا بتواند برای فرصتی مناسب، امکان ضربه متقابل اتحاد شوروی را از بین ببرد.

پهادت اعتراف افغانستان به چین

افغانستان در رابطه با اقدامات خصمانه و مداخله در امور داخلی این کشور، به چین اعتراض کرد. در پادداشت وزارت امور خارجه افغانستان

آمده است: "طی ماههای اخیر، ضمن سرکوبی باندهای ضد انقلابیون، مقادیر زیادی اسلحه ساخت چین، منجمد موشکهای زمین به هوا و گلوله‌های راکتور به غنیمت گرفته شد. این اسلحه، بر علیه مردم غیر نظامی، از جمله اهالی کابل به کار برده می‌شود. مستشاران نظامی چین، در خاک جمهوری خلق چین، لمرز به کار بردن اسلحه و شیوه‌های انجام عملیات تروریستی را به اشرار افغانی تعلیم می‌دهند." در این پادداشت، همچنین گفته شد که مراتب مزبور، نشانگر شرکت فعالانه چین در جنگ اعلان نشده علیه افغانستان است.

انتشار سند حزب دمکراتیک خلق افغانستان در باره پیوسته‌ترین سالگرد حزب

در کابل، "سند کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان درباره بیستمین سالگرد ج.د.خ.ا." انتشار یافت. این سند مهم به نگاهی مختصر به تاریخ سراسر مبارزه پشاهانک طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان، مرحله کنونی نبرد و وظائف فعلی اعضای حزب اختصاص دارد.

پس از شرح مختصری از رویداد تاریخی برگزاری کنگره موسس حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مبارزات حزب تا هنگام پیروزی انقلاب ثور، زیر عنوان "انقلاب ثور چرخش بنیادی در تاریخ افغانستان است." آمده است: "توفان انقلاب ما، فلودالان، سرداران آل بیحیی، سودخواران و قشر فوقانی بوروکراتیک و خودفروخته و مرتجعین و مستبدین محلی را که طی قرون متمادی بر مردم ماستم روا داشته و به قیمت خون و عرق جبین آنها حیات بسر می‌بردند، سرنگون ساخته و از میان برداشت. زمین و آب به طور پیوسته و انحراف ناپذیر در اختیار دهقانان گذاشته می‌شود. قوانین جدید انقلابی در ج.د.ا. (جمهوری دمکراتیک افغانستان) حقوق دمکراتیک اتباع را تضمین و بیانگر منافع بنیادی زحمتکشان اند. حزب و حکومت ج.د.ا. با تشویق و حمایت از رشد اتحادیه‌های صنفی، کزپر اتیف‌ها و سایر سازمانهای وسیع اجتماعی برای نخستین بار در تاریخ کشور، امکانات عملی شرکت زحمتکشان را در اداره دولت و امور اجتماعی مساعد می‌سازد. همه تدابیر و اقدامات ممکن در جهت افزایش معاشات و بهبود تأمینات، در کام نخست برای ائتلافی بضاعت روی دست گرفته شده... در ادامه سند، ضمن اشاره به ناموزونی‌های رشد انقلاب ثور و توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم علیه آن، تأکید گردیده است: "مردم باید بدانند که: اگر امروز با مشکلات و محرومیت‌ها مواجه‌اند، مقصر تنها ضد انقلاب داخلی و خارجی است: مبارزه قاطعانه علیه ضد انقلاب و دستنهایی به ظفر در برابر آن، شرط حتمی پیروزی اهداف و آرمانهای نجیبانه انقلاب ثور و وظیفه مقدس هر وطنپرست واقعی کشور می‌باشد."

بخش بعدی سند، به "تحکیم و گسترش پایه‌های اجتماعی انقلاب، پیروند ارگاتیک حزب با مردم "به مثابه" وظیفه مبرم و عمده" حزب اختصاص یافته است. در این بخش، دستاوردهای انقلاب ثور در زمینه شرکت دادن مردم در اداره امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، خطاب به اعضای اصلی و

آزمایشی ج.د.خ.ا. آمده است: "به مردم نزدیک باشید، در اعماق توده‌ها باشید، حقیقت درباره اهداف و سیاست حزب ما را به آنها توضیح نمایید، سعی ورزید تا زحمتکشان و همه وطنپرستان وطن‌شوروت کمک به حزب و دولت را در امر اشرار و محو دشمنان انقلاب درک نمایند..."

معدنچیان برپتانیها قصد عقب نشینی ندارند

به علت موضع کارشکنانه اداره ملی صنایع زغال سنگ برپتانیها، تلاش برای حل حادترین درگیری کارگران و سرمایه‌داران در ظرف ده سال اخیر، بار دیگر عظیم ماند. در حالیکه سندیکیای معدنچیان برای انجام مذاکرات بدون شرط قبلی اعلام آمادگی کرد، اداره زغال سنگ حاضر نشد از موضع خود مبنی بر تعطیل معادن به اصطلاح بدون صرفه، دست بکشد. بنا بر این نخستین دور مذاکرات طرفین که پس از قطع آن، در ماه اکتبر سال گذشته، هفته پیش از سر گرفته شد، تحت شرایط پیچیده‌ای آغاز گردید. اعتصابیون و خانواده‌های آنان تحت فشار شدیدی قرار دارند. دولت محافظه‌کار ناچار میزان کمک اجتماعی را به حدی پایین آورده است که از سطح حداقل زندگی نازل‌تر است. کارگران اعتصابی، همه پس انداز خود را خرج کرده‌اند و بدی‌هایشان دائماً رو به افزایش است.

اما علیرغم چنین مشکلاتی، شمار اعتصاب شکنان اندک است. هنوز ۱۴۰ هزار معدنچی، یعنی اکثریت قاطع آنها، در اعتصاب به سر می‌برند. سندیکیای معدنچیان از اعضای خود خواسته است وحدت صفوف خود را حفظ کنند تا موضع سندیکار در مذاکرات تضعیف نشود. معدنچیان به این فراخوان پاسخ مثبت داده‌اند. آنها قصد ندارند از مواضع خود در دفاع از حق کار، عقب نشینی نمایند.



معدنچیان پیبایی مورد حمله پلیس فزرامی تیرند

اجلاس کمیته ویژه اقیانوس هند سازمان ملل متحد

در نیویورک، اجلاس کمیته ویژه سازمان ملل متحد درباره مسائل اقیانوس هند آغاز شد. هدف این کمیته، تهیه مقدمات تشکیل کنفرانسی است که باید موافقتنامه بین‌المللی درباره صلح و امنیت منطقه اقیانوس هند را تنظیم و تصویب کند. بر اثر سیاست کارشکنانه ایالات متحده آمریکا، کشایش این کنفرانس چند بار به تعویق افتاده است. واشنگتن تشکیل چنین کنفرانسی را مانعی در راه سیاست خود مبنی بر نظامی کردن اقیانوس هند می‌شمارد.

پیام کمیته ایالتی تهران به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای ارجمند!

شادباش‌های صمیمانه ما را به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پلنوم مهرماه به‌یادید. تشکیل این پلنوم، به ویژه در شرایط دشوار کنونی، تجلی پرفروغی است از کوشش‌های همه جانبه رهبری سازمان، در تحکیم هر چه بیشتر وحدت و انسجام همه جانبه صفوف سازمان و ارتقاء بیش از پیش توانمندی آن در این شرایط حساس تاریخ میهنمان. این امر موجی از شادی و مسرت در میان ما آفرید.

رفقای عزیز!

گزارش هیات سیاسی به پلنوم، تصویر روشنی از اوضاع بفرنج میهن، بلاکشیده ما ارائه کرد. همانگونه که به درستی در گزارش آمده است ارتجاع حاکم مانع عمده بر سر راه تکامل و ترقی جامعه ما می‌باشد. سردمداران خیانت پیشه جمهوری اسلامی، با پشت پا زدن به تمام وعده‌هایی که به مردم داده بودند، راه حمایت از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و راه نزدیکی با دولت امپریالیستی را برگزیده‌اند و زندگی کارگران و زحمتکشان را دشوار و دشوارتر می‌سازند.

قطعنامه‌های مصوبه پلنوم، سمت درست حرکت نیروهای انقلابی در جهت حذف این مانع عمده و برقراری یک دولت انقلابی ملی-دمکراتیک و گشودن راه برای انجام کامل اهداف انقلاب را

تعیین کرده و با تاکید بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق از تمامی نیروهای مترقی و ضد امپریالیست، وسیله دستیابی به آماجهای ذکر شده را نیز روشن ساخته است. این رهنمود ارزنده ای برای همه فدائیان خلق در سراسر کشور می‌باشد.

رفقا!

پیام پلنوم به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بدستی و وظائف خطیری را که مادر راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران و حفظ و گسترش وحدت صفوف گردانهای پیشاهنگ آن برعهده داریم خاطر نشان کرده است.

تصمیمات و مصوبات پلنوم، نشانگر آگاهی و مسئولیت کمیته مرکزی سازمان در قبال تمامی مسائل حاد سیاسی است که جامعه امروز ما را در بر گرفته است.

رفقای گرامی!

از سوی تک تک اعضای سازمان تهران اطمینان می‌دهیم با تمام نیرو و در راه تحقق اهداف تابناک جنبش کمونیستی میهن بکوشیم و این را با کاربست دقیق و خلاقانه تک تک مصوبات و قطعنامه‌های راهگشای پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان بر افتخارمان به انجام خواهیم رساند.

با گرمترین درودهای رفیقانه و با اطمینان به تحقق آرمانها و با ایمان به پیروزی راهمان کمیته ایالتی تهران

قطعنامه‌های مصوبه پلنوم، سمت درست حرکت نیروهای انقلابی در جهت حذف این مانع عمده و برقراری یک دولت انقلابی ملی-دمکراتیک و گشودن راه برای انجام کامل اهداف انقلاب را

از زندگی و رزم رفیق شهید منصور پورجم

شهادت رفیق منصور پورجم کادر برجسته و عضو کمیته ایالتی سازمان در خوزستان، جنابیت دیگری است که سران خائن به انقلاب حکومت جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش انقلابی مردم ایران به آن مرتکب شدند.

همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است، دژخیمان اوین که پس از دستگیری رفیق با اعمال شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روانی نتوانستند اراده و عزم خلل ناپذیری را در هم شکنند و رفیق را در برابر مقاصد شوم خود به تسلیم بکشانند، با انتقامجویی جنایت بار و ددمنشانه، زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها او را به شهادت رساندند. رفیق منصور با ایمان انقلابی‌اش به آرمان سترگ خلقمان و راه پر افتخار و پیروزمند سازمان، قهرمانانه در برابر دژخیمان جمهوری اسلامی پایبندی کرد و چون دیگر یاران حماسه آفرین خود تا آخرین قطره خون وفاداری شورانگیزش را به خلقمان نشان داد.

رفیق شهید منصور پورجم در سال ۱۳۳۵ بدنیا آمد. پدرش کارگر پالایشگاه آبادان بود. او اولین درسهای زندگی و مبارزه را در خانه و در مسکنهای کارگری آبادان با مشاهده و لمس زندگی و گذران

شرکت هیات نمایندگی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مراسم گرامیداشت بیستمین سالگرد

تاسیس حزب دمکراتیک خلق افغانستان

به مناسبت بیستمین سالگرد بنیانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جشن پرشکوه و عظیمی در روزهای ۲۰ الی ۲۲ دی ماه در کابل برگزار گردید. در این جشن هیئت‌هایی به نمایندگی از سوی احزاب کمونیست و کارگری و نمایندگان سازمانهای ملی و مترقی شرکت داشتند. شرکت کنندگان در این مراسم پیام‌آوران همبستگی جهانی با مردم افغانستان انقلابی در نبرد علیه مداخله‌گران امپریالیستی و اشراضد انقلابی بودند. پیامهایی که از سوی احزاب کمونیستی و کارگری به این مناسبت ارسال شد، جلوه‌ای از شکوه انترناسیونالیسم پرولتری را به نمایش گذاشت.

از جانب سازمان ما، هیاتی به سرپرستی رفیق فرخ نکهدار دبیر اول کمیته مرکزی در این جشن شکوهمند شرکت داشت. هیات نمایندگی حزب توده ایران نیز از جمله شرکت کنندگان در این مراسم بود.

هیات نمایندگی سازمان ما، در پایان مراسم با رفیق ببرک کارمل دیدار به عمل آورد. در این دیدار بر همبستگی و مناسبات برادرانه میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکراتیک خلق افغانستان تاکید گردید. ملاقات رفیق ببرک کارمل و رفیق فرخ نکهدار در رسانه‌های هکتانی افغانستان بازتاب یافت.

از جانب کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیامی به مناسبت بیستمین سالگرد ح.د.خ. ا. فرستاده شد. در این پیام آمده است که "وظیفه انقلابی، میهنی و انترناسیونالیستی خودمی‌دانیم که با تمام نیرو از انقلاب ظفرنمون مردم افغانستان و دستاوردهای درخشان آن که مویذ راه لنینی رهایی ملی و اجتماعی خلقهای خاورزمین است، پشتیبانی کنیم"

در جریان این جشن، هیات نمایندگی سازمان ما ملاقاتهای متعددی با دیگر هیات‌های شرکت کننده انجام دادند و طی آن وضعیت کنونی کشورمان تشریح گردید و از همبستگی احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای مترقی جهان با مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم قدر دانی به عمل آمد.

AKSARIYAT
NO. 43
MONDAY FEB 4, 85
Address: آدرس:
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را
رفقای فدایی درد انمارک
تأمین کردند

کتاب‌های مالی رسیده

رفیق سولماز (فرانس) مدیه به کار ۲۰۰ فرانک
از بیلگلدومونستر (آلمان فدرال) ۴۶/۵ مارک

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!